

عملکرد سیاست‌های فرامنطقه‌ای و شورای امنیت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران *

ظهور انقلاب اسلامی ایران، عکس العمل عراق و نظام بین الملل

انقلاب اسلامی مردم ایران پس از اوج‌گیری آن در سال‌های ۵۷-۱۳۵۶، در بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و سبب حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در ایران شد که وضعیت تازه‌ای در منطقه و جهان پدید آورد و تبعاتی را در پی داشت خروج ایران از زیر سایه بلوک غرب در منطقه نظامی دو قطبی و اعلام استقلال کامل در نظام بین‌المللی و خروج از دایره وابستگی آمریکا در همسایگی شوروی، محسوس‌ترین تبعات این انقلاب بود. علاوه بر این، استقلال یکی از کشورهای منطقه خلیج فارس آن هم کشوری که دارای بیشترین ساحل در این منطقه است و تأثیرگذاری قطعی این امر در سرنوشت نفت، ارائه یک الگوی جدید برای مبارزه با استبداد، رهایی یک ملت از وابستگی و کسب استقلال و آزادی در مهم‌ترین منطقه نفت خیز جهان که دولت‌های آن فاقد مشروعیت مردمی بودند. ارائه یک ایدئولوژی جدید برای مبارزه با اسرائیل در وضعیتی که ایدئولوژی‌های گذشته ناتوانی خود را برای مقابله با اسرائیل نشان داده بودند، بخشی از دست‌آوردهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که نظام بین‌الملل نمی‌توانست در مورد آن بدون واکنش باقی بماند. خصوصاً از آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در خاورمیانه، بیشترین برخوردها انتظار می‌رفت.

بروز بحران‌های متعدد و گسترده و پی در پی داخلی از جمله تصرف سفارت آمریکا در تهران، افزایش حضور ناوهای آمریکائی در خلیج فارس و تشکیل ناوگان پنجم دریایی آمریکا به منظور پر کردن خلأ قدرت در این منطقه بعد از سقوط رژیم وابسته به غرب ایران، تشکیل «نیروی یک صد و ده هزار نفری واکنش سریع» در ارتش آمریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی به منظور حضور سریع در مناطق ویژه، فعالیت جدید نیروهای آمریکائی در پایگاه‌های نظامی کشور ترکیه در همسایگی ایران و پذیرش شاه در آمریکا، هر کدام تهدیدی از سوی آمریکا علیه ایران اسلامی محسوب می‌شدند.

* . به قلم: دکتر حسین حمیدی‌نیا

جدی بودن این تهدیدات بخصوص با حمله آمریکا به ایران در صحرای طبس و حمایت از کودتای نقاب، که در آستانه وقوع کشف گردید، آشکار شد.

از سوی دیگر، حکومت عراق که امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را تحمیل بر خود می‌دانست و همواره در پی فرصت بود که به هر نحو ممکن از عملی شدن آن شانه خالی کند و تنگناهای ژئوپولتیک خود را با تجاوز به خاک ایران بهبود بخشد، گرایش به سمت غرب را آغاز کرده بود. مراد دبیلمت جدید سران حکومت عراق با حاکمان عربستان سعودی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، برکناری «حسن البکر» رئیس جمهوری عراق و جایگزین شدن صدام حسین به جای وی اندکی پس از پیروزی انقلاب، تیره شدن روابط عراق با سوریه پس از برکناری حسن البکر، تصفیه درونی حزب بعث و انهدام عناصر برجسته حزب کمونیست عراق، همگی نشان دهنده تغییر جهت حزب بعث عراق به سمت غرب بود.

در این حال حکومت عراق با اخراج رهبر انقلاب اسلامی ایران از عراق در آبان ماه ۱۳۵۷، همچنین پس از انقلاب ایران با اعدام و ترور روحانیان مبارز عراق از جمله اعدام آیت‌الله سید محمد باقر صدر و اخراج ایرانیان مقیم عراق، دشمنی خود را با انقلاب اسلامی آشکار می‌ساخت. هدف این اقدامات حکومت عراق، دامن زدن به جنگ سرد علیه ایران اسلامی تلقی می‌شد.

از همان اوایل تشکیل نظام اسلامی در ایران، اوضاع استان‌های هم مرز با عراق بحرانی شد و از خوزستان تا آذربایجان غربی دستخوش حوادثی گردید که گروه‌های ضد انقلاب داخلی با حمایت عراق و یا عناصر عراقی تبار ایجاد می‌کردند. ارتش عراق نیز دور از صحنه نبود، بلکه با اقدامات مهندسی منطقه را برای شروع نبردی سنگین آماده می‌کرد و در این حال با تجاوزات زمینی، هوایی و دریایی و با راه انداختن جنگ روانی علیه ایران، قدرت واکنش قوای ایران را می‌آزمود و معابر وصولی مناسب را برای آغاز هجوم سراسری شناسائی می‌کرد.

در مقابل، نظام نوپای جمهوری اسلامی که هیچ اندیشه فرامرزی به جز اثبات حقانیت و اصالت فرهنگ انقلاب اسلامی را نداشت، از همان روزهای آغازین انقلاب به سرعت از توان نظامی خود کاست، مستشاران نظامی آمریکائی را از کشور اخراج کرد، از پیمان نظامی و منطقه‌ای «سنتو» خارج شد. قرارداد خرید زیردریایی و آواکس را با کشورهای آلمان و

آمریکا لغو کرد. سقف پرسنل ارتش را از چهارصد هزار تقلیل داد و دوره خدمت وظیفه از دو سال به یک سال کاهش یافت. این وضعیت تا گذشت شش ماه پس از پیروزی انقلاب ادامه داشت، اما پس از بروز چندین بحران در شش ماهه اول انقلاب که آخرین آن، بحران بزرگ پاره بود و پس از اینکه آمریکایی‌ها شاه را پذیرفتند، اقدامات بازدارنده به مرور آغاز شد. تشکیل سپاه پاسداران و شروع تحول در ارتش و بازسازی آن که از همان روزهای اول انقلاب آغاز شده بود، بخشی از این اقدامات بازدارنده محسوب می‌شد.

افزایش خدمت سربازی از ۱۲ ماه به ۱۸ ماه و واگذاری فرماندهی کل قوا به رئیس جمهور وقت که افزایش انسجام تشکیلات نظامی را در پی داشت و می‌توانست موجب هماهنگی قوای لشکری و کشوری شود نیز بخش دیگری از اقدامات بازدارنده ایران به شمار می‌رفت. به موازات این تلاش‌ها، تصرف سفارت‌خانه آمریکا در تهران، بسیاری از برنامه‌های ضدامنیته آمریکا علیه ایران را فاش کرد و اسناد به دست آمده از آن، ضمن آن که عوامل داخلی آمریکا را که نقش‌های مهمی در تکمیل توطئه آمریکا علیه ایران داشتند، افشا کرد، بسیاری از تهدیدات را نیز برطرف کرد. این اقدامات با کشف کودتای نقاب تکمیل گردید.

البته این اقدامات بازدارنده ایران در حدی نبود که مانع از هجوم سراسری ارتش عراق به خاک کشور شود. در این وضعیت، بخش بزرگی از نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در بحران‌های داخلی درگیر بودند، بحران‌هایی که حتی بخش‌هایی از استان‌های غربی کشور را به میدان جنگ‌های پارتیزانی تبدیل کرده بود. ارتش و سپاه هر دو برای مقابله با ضدانقلاب مسلح درگیر بودند، به این ترتیب، ارتش، ژاندارمری و سپاه در برابر معابر وصولی ارتش عراق صف‌آرایی کرده بودند، لیکن کمتر از ۲۰ درصد توان موجودی قوای مسلح ایران در این بخش به کار گرفته شده بود و بقیه در سایر نقاط کشور در حال برقراری نظم و حفظ امنیت بودند. طراحی کودتای نقاب نیز در ارتش ایران که در حال تحول به ارتش جمهوری اسلامی بود نقش تخریبی بسیار داشت و موقعیت ارتش را که بر اثر تدبیر غلط شاه و در کوران انقلاب در برابر مردم قرار گرفته و تضعیف شده بود و می‌رفت تا با رهبری امام بازسازی شود مجدداً تضعیف کرد. از سوی دیگر، دشمن در ارزیابی بحران‌های موجود در کشور، دچار اشتباه شده بود و این وضعیت را به عدم ثبات نظام تعبیر می‌کرد. به گمان

دشمن در صورت یک تهاجم خارجی، نظام جدید ایران دچار گسستگی می‌شد و فرو می‌ریخت، با این پیش فرض، چند دیدار بین مقام‌های عالی رتبه عراقی و آمریکایی صورت گرفت و پس از هماهنگی‌های لازم، عراق در شهریور ۱۳۵۹ تجاوزات خود به ایران را تشدید و چندین نقطه از خاک کشور را اشغال کرد تا ضمن آزمایش توانائی قوای مسلح ایران، واکنش افکار جهانیان را بسنجد. در مقابل، قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران بعلل پیش گفته نمی‌توانستند واکنشی بازدارنده از خود نشان دهند و افکار عمومی جهانیان نیز در برابر این تجاوزات واکنشی نشان نداد. لذا حکومت عراق پس از آنکه قرارداد ۱۹۷۵ را رسماً در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۶ به طور یکجانبه در عین حال غیر قانونی و خلاف عرف روابط بین‌المللی لغو کرد، در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ هجوم سراسری خود را به خاک ایران آغاز کرد.

تجاوز همه جانبه ارتش عراق، اشغال ناقص

در تجاوز سراسری ارتش عراق، قبل از حرکت تانک‌ها و یگان‌های پیاده، توپخانه دشمن به شدت شهرهای مرزی ایران را گلوله باران کردند و هواپیماهای نیروی هوایی ارتش عراق نیز در عمق ایران تا تهران به پرواز درآمدند و به بمباران چندین شهر پرداختند. این اقدام عراق بیش از آنکه اهمیت نظامی داشته باشد، اهمیت روانی داشت، به عبارت دیگر، عراق هجوم سراسری زمینی خود را با جنگ روانی آغاز کرد تا زمینه را برای پیشروی نیروهای پیاده تسهیل کند، لذا پس از هجوم گسترده هوایی و شلیک انبوه آتش توپخانه دشمن، عملیات سراسری زمینی او آغاز شد.

عراق در این هجوم، استراتژی «جنگ پر شدت و کوتاه مدت» را برگزیده بود، اما بلافاصله پس از هجوم هوایی دشمن، امام خمینی ابتکار عمل را در جنگ روانی به دست گرفت، بحران را مهار کرد و در آرامش به دست آمده، برای مسئولان کشوری و لشکری زمینه مناسبی به وجود آورد تا تدابیر را بیندیشند و اعتماد به نفس مردم نیز تقویت و به عنوان نیروی تأخیری وارد میدان شوند.

امام با اصلی اعلام کردن جنگ، لزوم بازگرداندن نیروهای عراقی به پشت خطوط مرزی بین دو کشور، تأکید بر وحدت ملی، حمایت از فرماندهان نظامی و باز گذاشتن دست

فرمانده کل قوا (رئیس جمهور وقت) زمینه‌های لازم را برای برنامه‌ریزی فرماندهان فراهم آورد و استراتژی خودی را با عنوان «سلب آرامش از دشمن» اعلام کردند. واکنش امام، مردم و نظام، نادرستی پیش‌فرض‌های دشمن را آشکار ساخت و بدین ترتیب استراتژی «جنگ سریع و پرشدت» به نتیجه مورد نظر حاکمان عراق نرسید. پس از گذشت سه روز از آغاز جنگ، تحلیل‌گران نظامی، اهداف عراق از شروع جنگ را دست نیافتنی دانستند و ارتش این کشور را شکست خورده تلقی کردند. حکومت عراق نیز پس از گذشت شش روز از آغاز جنگ، لحن اولیه خود را تغییر داد و از پایان جنگ سخن به میان آورد.

صدور قطعنامه شماره ۴۷۹ شورای امنیت

با زمین‌گیر شدن نیروهای عراقی در جبهه‌های جنگ، نظام بین‌المللی از طریق شورای امنیت به میدان آمد. شورای امنیت با صدور قطعنامه ۴۷۹ به وضوح حمایت سیاسی خود از عراق را به نمایش گذاشت. در عنوان این قطعنامه تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران چنین توصیف شده بود: با آغاز بررسی موضوع با عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» و استفاده از این واژه وضعیت به جای واژه تجاوز، خودگویای عدم تمایل شورای امنیت به محکومیت عراق بود. این قطعنامه علاوه بر مقدمه دارای ۵ بند اجرایی بود که در بند یک از دو کشور خواسته شده بود به فوریت اقدام به آتش‌بس کنند. پُر واضح بود که قدرتهایی که خود در تحریک عراق به آغاز تجاوز به ایران نقش مهمی داشتند به هیچ‌وجه تمایل به محکومیت عراق و درگیر نمودن آن با سازمان ملل از خود نشان ندادند.

لذا شورای امنیت با صدور قطعنامه ۴۷۹ عملاً بر تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران صحنه گذاشت. با این وضع واکنش ایران طبیعی بود، ایران ضمن ابراز تمایل به پایان جنگ، آن را منوط به عقب‌نشینی نیروهای متجاوز از مناطق اشغالی و شناسائی و تنبیه متجاوز نمود. به این ترتیب قطعنامه ۴۷۹ از نظر ایران دفاع از متجاوز و غیرقابل قبول بود.

عراق در هفته اول جنگ، شهرهایی را اشغال کرد که اغلب کوچک و بعضی در حد یک بخش بودند. بزرگترین شهری که در هفته اول جنگ به اشغال درآمد، قصر شیرین بود. عراق

در اشغال شهرها با مشکل روبرو بود و به جز سومار و بستان که وسعتی بیش از یک بخش نداشتند، در بقیه شهرها با مقاومت سرسختانه مواجه شد. در تصرف بستان و سوسنگرد موردی استثنائی وجود داشت، در آن منطقه شماری از نیروهای ارتش، سپاه و ژاندارمری در پاسگاه مرزی سوبله در برابر ارتش عراق سرسختانه ایستادند و پس از سقوط این پاسگاه، عراق برای چند روزی توانست بستان و سوسنگرد را به تصرف درآورد و عناصری از گروه‌های خائن موسوم به خلق عرب را در آنجا مستقر کرد که کمک‌های بسیاری به ارتش عراق می‌کردند. به هر صورت، ارتش عراق در پایان هفته اول پس از نبرد با نیروهای قلیل خودی، دشت‌های وسیعی را پشت سر گذاشته بود و یکی دو شهر کوچک را با دادن تلفات فراوان، تصرف کرده بود، اما در جبهه غرب پشت دروازه‌های سرپل ذهاب و گیلان غرب و در جبهه جنوب پشت دروازه‌های خرمشهر و اهواز و رودخانه کرخه (در منطقه دزفول) توسط نیروهای خودی، متوقف شده بود. به این ترتیب هدف ارتش عراق هم در جبهه جنوب و هم در جبهه غرب توسط نیروهای خودی ناقص ماند، لذا پس از پایان هفته اول، استراتژی عراق از «جنگ سریع و پر شدت» به جنگ «بلند مدت و فرسایشی» تبدیل شد. در جبهه غرب، عراق تمایلی به سرمایه‌گذاری بیشتر نداشت و در جبهه جنوب نیز هدف خود را از تصرف خوزستان به تصرف خرمشهر و آبادان محدود کرد. از آغاز هفته دوم جنگ، عراق در صورت موفقیت، می‌توانست لاقل با در دست داشتن مناطق مهم، ادعای حاکمیت خود بر اروند را به ایران تحمیل کند و بدین ترتیب مطامع تاریخی عراق در خصوص انتقال مرزهایش به ساحل شرقی اروند رود تحقق می‌یافت.

اما جنگ در خرمشهر به درازا کشید و نیروهای مدافع شهر که از خط مرز تا پل نو، هفت روز در مقابل دشمن ایستادگی کرده بودند، در محله‌های خرمشهر از پل نو تا پل خرمشهر - آبادان نیز ۳۴ روز تمام جنگیدند، در حالی که با انسداد جاده‌های اهواز - خرمشهر، اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان، که به ترتیب در تاریخ‌های ۱۳۵۹/۷/۵ و ۱۳۵۹/۷/۲۳ مسدود شد، شهر در محاصره کامل قرار داشت.

قبل از سقوط خرمشهر، دشمن، تصرف آبادان را هدف قرار داد. چهار روز قبل از سقوط خرمشهر نیروهای عراقی با عبور از رود بهمنشیر در منطقه کوی ذوالفقار، وارد جزیره آبادان

شدند، لیکن با همت مدافعان آبادان، متجاوزان به عقب رانده شدند. به طوری که، عراق تا پایان جنگ، دیگر برای عبور از بهمنشیر و ورود به آبادان هیچ‌گونه تلاشی به‌عمل نیاورد. بنابراین، ارتش عراق در اشغال هدف محدود شده خود نیز ناکام ماند و بخش جنوبی خرمشهر (جنوب کارون) و جزیره آبادان از اشغال دشمن مصون ماند و به این ترتیب با تصرف ناقص اهداف یک خط پدافندی ناقص و آسیب‌پذیر به دشمن تحمیل شد.

دو هفته پس از حادثه کوی ذوالفقاریه، عراق برای تصرف مجدد سوسنگرد که در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ آزاد شده بود، مجدداً حمله کرد اما این بار نیز با مقاومت سرسختانه خودی روبرو شد و پس از ۷۲ ساعت، شکست خورد، بدین ترتیب استراتژی (عملیاتی) «سلب آرامش از دشمن» به نتیجه رسید و ارتش عراق را مجبور به پذیرش وضعیتی آسیب‌پذیر کرد. در عین حال، عراق که در مقایسه توان نظامی دو کشور، توان نظامی موجود را به نفع خود می‌دید، حاضر به عقب‌نشینی نبود و می‌خواست در مذاکرات آتی، مناطق اشغالی را عامل تضمین کسب امتیاز از ایران قرار دهد.

پس از اشغال سرزمین‌های ایران، چندین بار هیأت‌های صلح بین ایران و عراق تردد کردند. سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان غیرمتعهدها هر کدام هیأتی را مأمور به میانجیگری کردند. همچنین نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد نیز چند بار به تهران و بغداد سفر کرد. تهران هیچگاه راه را به روی فعالیت دیپلماتیک نبست، اما میانجیگران هیچ طرح تضمین شده‌ای را برای آزادی سرزمین‌های اشغالی نداشتند، بلکه تنها ایران را به قبول آتش‌بس توصیه می‌کردند! در مقابل، ایران که از موضع ثابتی برخوردار بود اعلام می‌کرد که قبل از هر چیز باید ارتش عراق بدون قید و شرط از سرزمین‌های اشغالی عقب‌نشینی کند و برای تحقق این خواسته بر حق که عراق حاضر به پذیرش آن نبود ناگزیر، تنها راه چاره را در اقدام نظامی می‌دید.

بن بست در جنگ، تحول در استراتژی

مدتی پس از هجوم سراسری ارتش عراق، در چهار چوب استراتژی «آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده» چهار عملیات گسترده طرح‌ریزی شد که در صورت موفقیت، نه تنها سرزمین‌های اشغالی آزاد می‌شد و مرزهای بین‌المللی خوزستان تأمین می‌گردید، بلکه

دشمن تا حومه بصره تعقیب می‌شد. اما ابزار کافی برای اجرای این استراتژی در دست نبود و توان نظامی موجود در آن شرایط نیازهای عملیاتی را کفایت نمی‌کرد. لذا استراتژی یاد شده در کوتاه مدت نتیجه نمی‌رسید. گریزی از استراتژی تایید شده «آزادی سرزمین‌های اشغالی» نبود، اما ابزارها و روش‌ها باید تغییر می‌کرد.

در این اوضاع، بازنگری و ارزیابی عملکرد گذشته به کوشش برخی از نخبگان نظامی آغاز شد و نیروهای خودی در بستر نبردهای محدود، به بررسی پرداختند، لیکن وظیفه اصلی در این راستا متوجه فرماندهی کل قوا (رئیس جمهور وقت) بود که با روی آوردن به بحران‌های داخلی و نزدیک شدن به سازمان‌های مخالف نظام و روی در روی قرا گرفتن در برابر اکثریت مردم، از پشتوانه مردمی و ملی نیز بی‌بهره شدو ضرورت عزل خود را قطعی کرد که در این هنگام رهبری نظام در ۱۳۶۰/۳/۲۱ وی را از سمت فرمانده کل قوا برکنار کرد. پس از برکناری رئیس جمهور وقت (بنی‌صدر) از مقام فرماندهی کل قوا، گروه‌های مخالف نظام که با وی همپیمان شده بودند، موقعیت را برای تشدید بحران‌های داخلی مناسب دیدند. این گروه‌ها با این تصور غلط که رئیس جمهور همچنان از حمایت مردمی برخوردار است و از این موقعیت آنان نیز بهره خواهند برد، دست به اقداماتی زدند. در این راستا ابتدا جبهه ملی در ۱۳۶۰/۳/۲۵ به عنوان مخالفت با لایحه قصاص، مخالفان را دعوت به راهپیمایی کرد، اما رهبری نظام واکنش نشان داد. با دعوت امام خمینی از مردم و نیز با حضور انبوه آنان در خیابان‌ها، دعوت جبهه ملی به راهپیمایی بی‌پاسخ ماند. پنج روز بعد در ۱۳۶۰/۳/۳۰ سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که از همان روزهای اول انقلاب اقدام به جمع‌آوری سلاح و تشکیل تیم‌های مخفی کرده بود به حمایت از رئیس جمهور یک راهپیمایی غیرقانونی خشونت‌بار به راه انداخت. در جریان این اقدام مسلحانه، عده‌ای از عناصر طرفدار این نظام به خاک و خون کشیده شدند، تا قدرت سازمان به نمایش گذاشته شده و هیبت نظام جمهوری اسلامی شکسته شود، اما نه تنها هدف سازمان تأمین نشد بلکه واکنش شدید مردم را نیز برانگیخت. لذا از روز بعد از این واقعه، سازمان منافقین که از قبل آماده ورود به فاز نظامی شده بود، رفتار تشکیلاتی خود را تغییر داد و به اقدامات نظامی مخفیانه روی آورد، ترورها و بمب‌گذاری آغاز شد، بسیاری از مردم عادی مورد سوء قصد

مسلحانه قرار گرفتند و نیز بسیاری از مسئولان کشوری از جمله ۷۲ عضو برجسته نظام در انفجار هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در مقر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با تحول در فرماندهی عالی جنگ، میدان مانور پیدا کرده بود و می‌بایست در صحنه جنگ قابلیت‌های خود را به نمایش می‌گذاشت، ناگزیر شد در گستره‌ای بسیار بیشتر و با حساسیتی افزون‌تر از گذشته، برای برقراری امنیت در سطح کشور وارد عمل شود و به عنوان نیروی پاسدار انقلاب، در کنار نیروهای کمیته‌های انقلاب اسلامی و سایر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی از جمله اطلاعات نخست وزیری، به حفاظت از اماکن و شخصیت‌ها، شناسائی خانه‌های تیمی و انهدام تشکیلات منافقین و عناصر آن بپردازد. بنی‌صدر و رجوی که هر یک به اتکا به نیروهای یکدیگر، به هم نزدیک شده بودند، به پاریس گریختند و مرکزیت سیاسی محاربه با نظام را در خارج کشور مستقر کردند، اما مرکزیت نظامی سازمان که به رهبری موسی خیابانی در داخل کشور استقرار داشت، به دنبال انهدام پی‌درپی خانه‌های تیمی و تشکیلاتی سازمان، در یک عملیات سقوط کرد و با کشته شدن موسی خیابانی و اشرف ربیعی (همسر رجوی)، فرماندهی و رهبری سازمان منافقین در داخل کشور فرو پاشید و سازمان جایگاه خود را به عنوان یک مدعی داخلی به کلی از دست داد و به یک نیروی ایدایی تبدیل گردید.

از سوی دیگر، در همین حال با وجود تشدید بحران داخلی که نتیجه آن، ناامنی عقبه‌های استراتژیک جنگ می‌بود و توان بالایی از نظام را معطوف خود می‌کرد، رهبری نظام بر اصلی نگه داشتن جنگ تأکید می‌کرد و ارتش بدون توجه به درگیری‌های درون حاکمیت تنها به مقابله با تجاوز عراق اندیشه و فعالیت کرد و فرماندهی جنگ نیز طبق فرمان امام راحل (ره) از بنی صدر به ستاد مشترک ارتش و شهید فلاحی واگذار گردید. امام خمینی با اولویت بندی مصالح کشور، اولویت شماره یک را به جنگ اختصاص داد. در این حال، با برطرف شدن مواضع هماهنگی بین سپاه و ارتش، فرصت به کارگیری اندیشه‌های جدید نظامی که از اسفند ماه ۱۳۵۹ پایه‌ریزی و در نبردهای محدود از جمله عملیات فرمانده کل قوا در ۱۳۶۰/۳/۲۱ آزمایش شده بود، به وجود آمد. علاوه بر این، با رفع موانع مؤثر ورود نیروهای مردمی به میدان جنگ، زمینه لازم برای جذب نیروهای انقلابی و

شکل‌دهی به این نیروها در قالب سازمان رزم، به وجود آمد و ظرفیت به کارگیری نیروهای مردمی افزایش چشمگیری یافت.

آزادسازی مناطق اشغال شده

با وقوع تحولاتی در فرماندهی ارتش که با فرماندهی سرهنگ علی صیاد شیرازی در نیروی زمینی ارتش ایجاد شده بود و هماهنگی فوق‌العاده وی و ستادش با سپاه، تعیین استراتژی جدید نظامی، تعیین مناطق عملیاتی، حفظ ابتکار عمل در نبردها، چگونگی گسترش سازمان سپاه برای جذب بیشتر نیروهای مردمی و مقابله با دشمن و نیز تفکیک و تبیین نقش سپاه و ارتش، از جمله مواردی بود که به خوبی پیگیری شد و به سرانجامی مطلوب رسید. ارتش و سپاه مشترکاً در تهیه و اجرای این موارد عمل کردند و در چهار عملیات گسترده در جنوب، محاصره آبادان، اهواز، شوش و دزفول را شکستند و شهرهای بستان و خرمشهر را آزاد کردند و در بسیاری از نقاط خوزستان به مرز دست یافتند، اگر چه پاره‌ای از نقاط چون شلمچه، طلائی، فکه و دویرج همچنان در اشغال دشمن باقی ماند. در پایان این مرحله که به مرحله آزادسازی موسوم است، حدود ۲۰٪ از مناطقی که در آغاز جنگ اشغال شده بود، از جمله نقاط حساس مرزی یاد شده در جنوب و چندین ارتفاع و شهر مرزی در غرب در اشغال دشمن باقی بود. همچنین تا آنجا که تأمین مرزها ایجاب می‌کرد، تعقیب دشمن نیز جزو اهداف استراتژی دوره آزادسازی محسوب می‌شد، از همین روست که در عملیات نصر (هویزه) و نیز در عملیات بیت‌المقدس (فتح خرمشهر) پیش‌بینی شده بود که پس از آزادی خرمشهر، دشمن تا حومه بصره تعقیب شود، اما در هیچ یک از این دو عملیات، عبور از مرز صورت نگرفت. در صورتی که اگر اجرای آخرین مرحله طرح‌ریزی شده عملیات بیت‌المقدس تحقق می‌یافت و دشمن در آن سوی مرز با موفقیت تعقیب می‌گردید، مسلماً در تصمیم‌گیری برای ادامه و یا پایان جنگ تأثیر مهمی گذاشت، به عبارت دیگر، در اختیار داشتن قسمتی از شرق بصره که می‌توانست عامل فشار به عراق برای تخلیه سرزمین در اشغال مانده باشد، ممکن بود ضرورت ادامه جنگ را منتفی کند.

عبور از مرز برای تعقیب دشمن

در عملیات بیت‌المقدس به علت مقاومت شدید دشمن و فرسودگی نیروهای خودی در یک نبرد ۲۶ روزه ناچار به فتح خرمشهر اکتفا شد و آخرین مرحله آن عملی نگردید، لذا شلمچه در دست دشمن باقی ماند و خرمشهر و آبادان همچنان در معرض تهدید بود. از فکه تا قصرشیرین نیز ارتفاعات مرزی همچنان در اشغال بود و شهرهای مرزی یا در اشغال مانده بود، یا زیر دید و تیر نظامیان عراقی قرار داشت.

ارتش عراق که خسارتهای خود را در دو سال جنگ به سرعت ترمیم کرده بود، پس از فتح خرمشهر بیش از آغاز جنگ نیرو و تجهیزات داشت. ارزیابی روحیه تجاوزگر رهبری عراق به خصوص صدام حسین، نشان می‌داد که ارتش عراق همچنان یک تهدید جدی علیه جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید.

از سوی دیگر، منطق نظامی حکم می‌کرد در وضعیتی که برتری با خودی است و دور پیروزی ادامه دارد، جنگ تا دستیابی به موقعیتی مستحکم ادامه یابد، به خصوص که هیچ ندای میانجیگرانه جدی در جهان شنیده نمی‌شد. محافل بین‌المللی درباره حقوق ایران سکوت کرده بودند و عراق هنوز ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های ایران اسلامی را در اشغال داشت و هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی سیاسی طرف مغلوب مشاهده نمی‌شد؛ کوچکترین امتیازی برای ایران در نظر گرفته نشده بود، حتی از محکومیت متجاوز خبری شنیده نمی‌شد و پرداخت غرامت به ایران به فراموشی سپرده شده بود، لذا برای کسب موقعیت برتر و دستیابی به موفقیتی که با استفاده از آن، امکان احقاق حقوق ایران میسر باشد، ادامه جنگ ضروری می‌نمود. این جمع بندی سران سیاسی و نظامی کشور بود که در جلساتی با فرمانده کل قوا «امام خمینی» ارائه شد و بر جهت‌گیری اولیه امام مبنی بر لزوم پایان دادن به جنگ، تأثیر گذاشت. بدین ترتیب ضرورت تعقیب دشمن قطعی شد و تعقیب متجاوز تا حصول وضعیتی که تأمین حقوق ایران را مقدور سازد، مبنای تصمیم‌گیری واقع شد و نقطه عطفی را در روند جنگ به وجود آورد.

تصمیم جدید نیاز به استراتژی جدید داشت. استراتژی جدید با عنوان «تعقیب متجاوز» هدف‌های متعددی را دنبال می‌کرد: آزادی سرزمین‌های در اشغال مانده، تأمین

مرزهای بین‌المللی، انهدام ارتش دشمن تا رفع تهدید آن، واداشتن نظام بین‌الملل به معرفی و تنبیه آغازگر جنگ و دریافت غرامت جنگی از عراق، هدف‌های این استراتژی شناخته می‌شد. اما از آن جهت که اراده ای به پیشرفت کار در مجرای دیپلماسی نبود و نشانه‌ای از واقع‌بینی در نظام بین‌المللی دیده نمی‌شد، خود به خود راهی جز هدف قرار دادن تغییر حکومت عراق باقی نماند، زیرا تنها در آن صورت بقیه اهداف و حداقل حقوق حقه و منافع ملی ایران تأمین می‌شد.

صدور قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت

در مقابل، نظام بین‌المللی در تلاش به منظور ایجاد مانع سیاسی بر سر راه استراتژی تعقیب متجاوز پس از ۲۲ ماه سکوت از زمان صدور قطعنامه ۴۷۹، از طریق شورای امنیت و با قرار دادن مسئله جنگ ایران و عراق در دستور کار شورا تلاش می‌نمود، ضمن مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های عراق، پیگیری استراتژی تعقیب متجاوز از سوی ایران را با مانع سیاسی و حقوقی جدی روبرو کند. در این جهت، به درخواست کشور اردن، شورای امنیت در تاریخ ۶۱/۴/۲۱ درست یک روز پیش از آغاز عملیات رمضان تشکیل جلسه داده و با صدور قطعنامه شماره ۵۱۴ بار دیگر بدون اشاره به تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران از دو کشور خواست با عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی، حل و فصل اختلافات خود را از طریق دیپلماتیک پیگیری نماید. قطعنامه یاد شده نیز به دلیل عدم توجه به درخواست مشروع جمهوری اسلامی ایران در زمینه تنبیه متجاوز، از سوی ایران مورد قبول واقع نشد، و یک روز پس از تصویب آن عملیات رمضان در منطقه شرق بصره آغاز شد و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به منظور تنبیه متجاوز وارد قلمرو عراق شدند. در واقع می‌توان گفت قطعنامه شماره ۵۱۴ سیاسی‌ترین قطعنامه در میان تمام قطعنامه‌های صادره در خصوص جنگ ایران و عراق بود.

تضمین اجرای استراتژی تعقیب متجاوز مستلزم حمایت مردم از ادامه جنگ بود. نقش افکار عمومی که در گذرگاه‌های انقلاب اسلامی تعیین کننده بوده است. در اثبات ضرورت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر نیز تأثیرگذار بود. رهبری نظام که حفظ مردم در صحنه را

در برنامه خویش قرار داده بود و وحدت و یکپارچگی ملی و مردمی را حفظ می‌کرد، هرگز برای تسریع در چرخه امور از روش‌های غیرمردمی سود نجست، بلکه تنها با تقویت انگیزه‌ها و تأکید بر جنبه‌های شرعی و تقویت احساس تکلیف در مردم، آنان را به حمایت از جنگ فرا می‌خواند، لذا با وجود آن که جامعه ایران جوان بود و سه برابر عراق جمعیت داشت، هرگز در طول جنگ تعداد نیروهای ایرانی در جبهه به تعداد نیروهای عراقی نرسید. رهبران بغداد با روش‌هایی که به کار گرفتند نیروهای فراوانی را در جبهه گرد آوردند، هرکس روی از جنگ با ایران برمی‌گرداند، اعدام می‌شد و یا خانواده‌اش مورد آزار قرار می‌گرفت.

اما در ایران در کنار رهبری آموزگارانه امام و در کنار نقش تعیین کننده نیروهای داوطلب مردمی، سازمان‌های ارتش، سپاه و بسیج به تفکیک مسئولیت، در نبردهای مشترک و مستقل و در آفند و پدافند تجربه‌های خود را محک می‌زدند و در چهارچوب استراتژی دوره تعقیب متجاوز، وضعیت رزمی خود را ارتقا می‌دادند؛ افزایش استعداد تیپ‌های مستقل ارتش به لشکر، تشکیل سه نیروی سپاه (زمینی، هوایی، دریایی) و نیز اعزام‌های بزرگ بسیج، همگی در قالب این استراتژی قابل تبیین است. سلب آرامش از دشمن و وارد کردن ضربات سنگین به سازمان ارتش آن - که به منظور گرفتن فرصت بازسازی و تدبیر از دشمن به اجرا در می‌آمد - نیز در چهارچوب این استراتژی عملی می‌شد. همچنین اصلی قراردادن جنگ و پرهیز از سرمایه گذاری در مسائل جانبی، از جمله فرعی کردن مقابله با اسرائیل در لبنان در مقایسه با جنگ تحمیلی و تمرکز قوای مسلح در جبهه‌های جنگ با عراق نیز در جهت تحقق آن استراتژی بود.

سعی در غافلگیر کردن در سه عامل زمین، زمان و تاکتیک و نیز انتخاب زمین نبرد و تحمیل آن بر دشمن، از جمله موارد دیگری بود که در اجرای این استراتژی رعایت می‌شد. کسب تجارب جدید در به کار گیری تجهیزات و تعیین نقش تأثیرگذار برخی تجهیزات در تاکتیک‌های ویژه، از جمله نقش شناورها در عملیات خیبر و نقش توپخانه در عملیات والفجر ۸ نیز با توجه به همان استراتژی قابل تبیین است. کاهش میزان تأثیرگذاری سلاح‌های پیشرفته دشمن که با ادامه جنگ در زمین‌های دشوار، دنبال می‌شد نیز با توجه به آن استراتژی بود.

در استراتژی «تعقیب متجاوز» که هدف نهایی بصره بود، با وجود تداوم جنگ در سه جبهه شمالی، میانی و جنوبی، جبهه جنوبی منطقه اصلی نبرد بود و دو جبهه دیگر تا پایان زمستان ۱۳۶۵ نقش پشتیبانی داشتند. اولین نبرد بزرگ در استراتژی تعقیب متجاوز، عملیات رمضان در شرق بصره بود که به سبب عدم انطباق کامل وضعیت خودی با آن استراتژی، با وجود موفقیت‌های اولیه، به اهداف خود نرسید. مهم‌ترین نبرد بزرگ بعدی، عملیات خیبر بود که قابلیت‌های قوای مسلح جمهوری اسلامی ایران را آشکار می‌ساخت.

بررسی مواضع شورای امنیت نیز در این میان (سالهای ۶۱ تا ۶۳) خالی از لطف نیست. پس از صدور قطعنامه شماره ۵۱۴ که در آستانه عملیات رمضان صورت گرفت، سه روز پس از آغاز عملیات مسلم بن عقیل در جبهه سومار در مورخ ۶۱/۷/۱۲ شورای امنیت اقدام به صدور سومین قطعنامه خود در خصوص جنگ ایران و عراق نمود. در این قطعنامه نیز مانند دو قطعنامه قبل تجاوز عراق به قلمرو جمهوری اسلامی ایران «وضعیت میان ایران و عراق» شده بود. در بند نخست اجرایی نیز از دو کشور خواسته شده بود آتش‌بس نمایند. در بند ۲ اجرایی این قطعنامه خواستار عقب‌نشینی دو کشور به مرزهای بین‌المللی شده بود. نکته جالب در قطعنامه‌های ۵۱۴ و ۵۲۲ درخواست عقب‌نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای بین‌المللی شناخته شد بود. این درخواست زمانی مطرح می‌گردید که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با در دست داشتن ابتکار عمل در پی اجرای استراتژی تعقیب و تنبیه متجاوز در برخی مناطق از مرزهای بین‌المللی عبور کرده بودند.

پس از انجام عملیات والفجر ۴ در آبان ماه ۱۳۶۲ و آشکار شدن ابعاد جدیدی از قابلیت‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در انجام عملیات در مناطق کوهستانی شمال عراق، نظام بین‌الملل به منظور ایجاد پوشش سیاسی - حقوقی لازم در دفاع از عراق وارد عمل شد و قطعنامه شماره ۵۴۰ را در تاریخ ۹ آبان ماه ۱۳۶۲ صادر نمود. این قطعنامه به لحاظ ماهوی، تفاوتی با سه قطعنامه قبلی نداشت و تنها در آن، به مسئله حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامی اشاره گردیده بود.

در این خصوص نیز اشاره‌ای به آغاز حملات توسط عراق نگردیده بود. نکته دیگر در این قطعنامه این بود که با گسترش جنگ از سوی عراق به خلیج فارس و هدف قرار گرفتن

نفت‌کشها و کشتی‌های تجاری حامل صادراتی ایران و کالاهای وارداتی برای ایران و هدف قرار نفت‌کش‌های حامل نفت کویت و عربستان توسط هواپیماهای ناشناس، بندهای ۳ و ۵ اجرایی قطعنامه به این امر اختصاص یافته بود.

با گسترش هر چه بیشتر جنگ در خلیج فارس به درخواست کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، شورای امنیت اقدام به صدور قطعنامه شماره ۵۵۲ در مورخ ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ نمود. این قطعنامه اختصاصاً به مسئله حمله به نفت‌کش‌ها و کشتی‌های بازرگانی اشاره نموده بود و از دو طرف درگیری می‌خواست که از اینگونه حملات خودداری کنند.

گذر از موانع عبورناپذیر و تصرف مناطق مهم

عبور از رودخانه بسیار عریض اروند و پشت سرگذاردن موانع گسترده آن که در عملیات مهم والفجر ۸ به وقوع پیوست و فتح فاو را در پی داشت، خارج از تصور و پیش‌بینی‌ها بود، به عبارت دیگر، پایان دادن به توقف چند ساله در پشت دیوار بلند موانع دفاعی عراق و رسوخ به آن سوی دیوار، اقدامی بود که به نظر غیرممکن می‌رسید، اما عملی گردید. عبور از اروند خروشان علاوه بر آن که ارتقاء توانائی‌های نظامی به نمایش درآمده در عملیات خیبر را اثبات می‌کرد، نشان می‌داد که نیروهای مسلح ایران در ارائه اندیشه‌های جدید و تدبیرهای تازه در دنیای نظامی‌گری برای شکستن بن‌بست جنگ، توانائی لازم را دارند. تاکتیک‌های به کار گرفته شده در این نبرد که تلفات فراوانی را به ارتش عراق تحمیل کرد، به تثبیت منطقه تصرف شده انجامید. کوتاه کردن (نسبی) دست عراق از شمال خلیج فارس و همسایه‌شدن ایران با کویت، امنیت خلیج فارس را متأثر کرده بود، لذا عملیات والفجر ۸ بسیار مهم تلقی می‌شد و به نظر می‌رسید که ایران با در دست داشتن شبه‌جزیره فاو، آماده پایان بخشیدن به جنگ باشد. لیکن به رغم ابراز تمایلات نظام بین‌الملل برای پایان دادن به جنگ، پس از والفجر ۸ نه تنها اقدامی از آنان در این خصوص دیده نشد، بلکه پس از فتح فاو، فرانسه به عنوان کشوری متمایل به اردوی غرب و شوروی از اردوی شرق برای تقویت ارتش عراق اقدامات فوق‌العاده‌ای را آغاز کردند. شورای امنیت نیز با صدور قطعنامه شماره ۵۸۲ در مورخه ۵ اسفند ماه ۱۳۶۴ بدون توجه به پیروزی‌های کسب شده از

سوی ایران بار دیگر خواستار ترک مخاصمات و آغاز مذاکرات جهت حل اختلافات میان دو کشور گردید. در عین حال، مقامات ایران بار دیگر پای‌بندی غرب را به مذاکرات محرمانه خود به بوته آزمایش گذاشتند و سال پس از عملیات فاو را سال سرنوشت نامیدند تا بدین وسیله به افکار عمومی تفهیم گردد که ایران آماده پایان دادن مشروط به جنگ است. بر همین اساس، عملیات کربلای ۴، عملیات سرنوشت‌ساز نام گرفت، اما در آستانه اجرای این عملیات، داستان سفر مک فارلین به تهران که مخفی مانده بود، به وسیله عناصر مشکوک ایرانی و احتمالاً مرتبط با اسرائیل، در اختیار یکی از نشریات خارجی قرار گرفت. با پخش اطلاعات این موضوع سری، رهبری نظام که این مسئله را توطئه‌ای علیه وحدت ملی می‌دانست، دستور افشای آن را داد.

با افشای ماجرای مک فارلین، روابط آمریکا و عراق تیره شد و شوروی‌ها برای پر کردن جای خالی شده در روابط خارجی عراق، به سرعت خود را به این کشور نزدیک کردند و از سوی دیگر به منظور نشان دادن خشم خود به ایران، به دلیل برقراری روابط پنهانی با آمریکا، بمباران گسترده‌ای را علیه ایران توسط عراق سازمان دادند. در این بین آمریکائی‌ها که از تیره شدن روابط خود با عراق نگران بودند و این مسئله را سبب سلب اطمینان دنیای عرب از واشنگتن می‌دانستند، از سویی خشنودی خود را از همکاری شوروی با عراق و بمباران شهرهای ایران پنهان نکردند و از سوی دیگر، اطلاعات ماهواره‌ای و غیرماهواره‌ای مربوط به عملیات کربلای ۴ را در اختیار عراق گذاشتند. لذا ارتش عراق که از محور اصلی عملیات کربلای ۴ آگاه شده بود، شب عملیات، اصلی‌ترین معبر وصولی را مسدود کرد و در نتیجه، عملیات سرنوشت‌ساز، هم در بعد سیاسی و هم در بعد نظامی ناکام ماند، به همین دلیل نام عملیات که قبلاً پیش‌بینی شده بود، والفجر ۱۰ باشد به کربلای ۴ تغییر یافت. در این میان و سه ماه پیش از آغاز عملیات کربلای ۴، آمریکا و سایر قدرتهای عضو دائم شورای امنیت به منظور افزایش فشار سیاسی بر ایران و بالا بردن هزینه سیاسی و بین‌المللی انجام عملیات سرنوشت‌ساز از سوی ایران اقدام به صدور هفتمین قطعنامه در خصوص جنگ ایران و عراق با شماره ۵۸۸ نمودند. قطعنامه یاد شده در تاریخ ۱۶ مهر ماه ۱۳۶۵ صادر گردید. قطعنامه یاد شده نیز با قطعنامه پیش از آن تفاوت ماهوی نداشته به

هیچ عنوان به مسئله تجاوز عراق به قلمرو جمهوری اسلامی و اقدامات غیر قانونی عراق از جمله به مناطق مسکونی و غیر نظامی اشاره‌ای نداشت.

پیشروی در شرق بصره

عملیات کربلای ۴ با وجود ناکامی، نتیجه‌ای مثبت در پی داشت: طریقه گشودن یکی از گره‌های بسته جنگ در شرق بصره را نشان داد. در حالیکه حکومت عراق سرگرم برپائی جشن ناکامی عملیات سرنوشت‌ساز بود و آن را حصادالاکبر (دروی بزرگ) نامیده بود و در حال لشکرکشی به سوی فاو بود تا فاو را هم پس بگیرد، عملیات کربلای ۵ آغاز شد. با طرحریزی و اجرای سریع عملیات کربلای ۵ که با استفاده از تجارب به دست آمده در عملیات کربلای ۴ و نیز با به کارگیری نیروهای آماده و به جا مانده از آن عملیات، انجام شد - موانع شرق بصره که برای هیچ ارتشی در خاور میانه قابل عبور نبود، شکسته شد و بصره برای اولین بار و به طور جدی در خطر سقوط قرار گرفت. غافلگیری دشمن در زمان، زمین و تاکتیک سبب شد که مهمترین عملیات در دوره تعقیب متجاوز روی دهد. بزرگی حادثه به قدری بود که عراقی‌ها ابتدا آمریکا را در این قضیه متهم کردند و گمان بردند که دریافت اطلاعات عملیات کربلای ۴ فریبی بیش نبوده، غافل از آنکه شبکه‌های اطلاعاتی آمریکا هم در مورد عملیات کربلای ۵ غافلگیر شده بودند.

این مسئله که بار دیگر از توانمندی قوای مسلح ایران حکایت می‌کرد دنیای غرب و شرق را به جمع‌بندی قاطعی رساند. آنان متقاعد شدند که در صورت نداشتن اجماع، ایران برنده قطعی جنگ خواهد بود. در نتیجه اولین توافق بین‌المللی بین آمریکا و شوروی بر سر پایان جنگ رخ داد و در اولین و آخرین تلاش جدی سازمان ملل متحد برای برقراری صلح، قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت این سازمان تصویب شد. این قطعنامه هنگامی تصویب شد که ایران در موضع برتر قرار داشت در عین حال نحوه تنظیم مواد آن، نشان می‌داد، صرف نظر از اینکه برای اولین بار به برخی واقعیات جنگ توجه شده است، با ابهامات بسیار نیز توأم می‌باشد که می‌تواند تأمین‌کننده تمایلات عراق باشد و بی‌دلیل نبود که پس از تصویب قطعنامه، عراق بلافاصله پذیرش خود را اعلام کرد، اما ایران که نمی‌توانست ریسک کند و در

وضعیت برتر یک قطعنامه مبهم را بپذیرد، پذیرش آن را به توافق بر سر روش اجرای آن مشروط کرد، در عین حال برای تحکیم مواضع بین‌المللی خود که در چانه‌زنی‌های بعدی بتواند حداقل امتیازات و حقوق مورد نظرش را استیفا کند، جنگ را ادامه داد. میدان اصلی جنگ که تا عملیات کربلای ۵، در جبهه جنوبی بود، به‌علت انسداد کلیه محورهای عملیاتی به‌سوی بصره از سوی عراق و مسلح کردن زمینی با انواع سیستم‌های سد و موانع و آب-گرفتگی وسیع محورهای عملیاتی شرق بصره، از این پس به جبهه شمالی منتقل شد و از سوی دیگر، با ورود آمریکا در خلیج‌فارس و احساس خطر جمهوری اسلامی از آن ناحیه، برای مدتی میدان اصلی نبرد از زمین به دریا انتقال یافت و مدت چهار ماه این وضعیت ادامه داشت تا آنکه یک آتش‌بس نسبی اعلان نشده بین ایران و آمریکا در خلیج فارس برقرار شد و آن‌گاه بار دیگر نبردهای زمینی، در اولویت جنگ قرار گرفت.

در جبهه شمالی چند عملیات موفق از سوی ایران اجرا شد. در طی این مدت، ایران ضمن ادامه عملیات گفتگو برای رسیدن به توافق در نحوه اجرای قطعنامه ۵۹۸ را رها نکرد و در این باره موافقت نسبی دبیرکل سازمان ملل متحد را نیز جلب کرده و با امیدواری در مورد جلب نظر شورای امنیت پیش می‌رفت.

نامگذاری والفجر ۱۰ برای عملیات در منطقه حلبچه نیز خود می‌توانست پیامی برای آمادگی ایران جهت پایان دادن به جنگ باشد، لیکن دنیا با سکوت خود در برابر این پیام، مجوز بمباران شیمیایی حلبچه را به عراق داد. پس از پایان بمباران نیز اقدام مهمی از کشورهای ثالث دیده نشد. از سوی دیگر، برخی اختلافات و تضاد منافع بین آمریکا و شوروی در مورد نحوه پایان یافتن جنگ، از جمله حضور گسترده و دخالت مستقیم نظامی آمریکا در خلیج فارس، سبب شد که شوروی، هم‌نوایی کاملی (نظیر زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸) با دیگر اعضای شورای امنیت نشان ندهد، از این رو ایران در جریان چانه‌زنی درباره قطعنامه و رسیدن به وضعیت مطلوب، تهدیدها و قطعنامه‌های تنبیهی بعدی را چندان جدی نمی‌گرفت و با افزایش حسن ارتباط با شوروی، از این ابرقدرت به منظور گرفتن زمان لازم استفاده می‌کرد.

پایان جنگ

عراق، پس از شکست در خرمشهر در جریان عملیات بیت‌المقدس، در لاک دفاعی فرو رفت و بیش از هر چیز به ایجاد موانع بر سر راه قوای مسلح ایران پرداخت. در همین حال، به مرور اعتبار از دست رفته و ارتش خود را نیز بازسازی می‌کرد. از سوی دیگر، ایران با پیگیری استراتژی تعقیب متجاوز که در حملات پی در پی بروز می‌کرد، آسیب‌های مداومی بر روحیه ارتش عراق وارد می‌کرد که خصوصاً در عملیات والفجر ۸ و سپس در عملیات کربلای ۵ به اوج خود رسید.

اما از طرف دیگر، کمک‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی و نیز حمایت دیپلماتیک و تبلیغاتی نظام بین‌الملل از عراق، کمبودهای روانی ارتش این کشور را جبران می‌کرد، ضمن آنکه به برتری توانائی‌های نظامی عراق روز به روز می‌افزود.

عراق با اتکا به حمایت‌های جهانی، علاوه بر تقویت روزافزون قوای زمینی خود، توان نیروی هوائی‌اش را نیز افزایش داد و به کمک هواپیماهای پیشرفته، از سال ۱۳۶۲، خلیج فارس را برای ایران نا امن کرد تا به توقف یا کاهش صدور نفت و تقلیل قدرت اقتصادی ایران، توان ادامه جنگ را از آن بگیرد و همزمان دامنه جنگ را گسترش دهد و پای نیروهای فرامنطقه‌ای را به خلیج فارس بکشد. ایران در برابر این اقدام چاره‌ای جز مقابله به مثل نداشت. از آنجا که تنگه هرمز به روی کشتی‌های عراقی مسدود بود و کویت و عربستان سعودی به جای عراق نفت می‌فروختند و حمل و نقل دریایی انجام می‌دادند، کشتی‌های کویتی و عربستان سعودی هدف حمله هواپیماهای ناشناس قرار می‌گرفتند و این مسئله، دعوت از ابرقدرتها را برای اسکورت نفت‌کش‌ها توسط کویت، در پی داشت که از سال ۱۳۶۶ بعد از تصویب قطعنامه ۵۹۸، اجرای اسکورت شروع شد و دور جدیدی را در جنگ پدید آورد. در جنبه‌ای دیگر، تقویت ناوگان هوائی عراق سبب گردید که این کشور از سال ۱۳۶۳ دامنه حملات هوایی خود را تا تهران گسترش دهد و چهار سال بمباران شهرهای ایران را تداوم دهد.

در این جریان، شوروی، آلمان و برزیل با تقویت یگان‌های موشکی عراق، نقش مهمی در ادامه حملات این کشور به شهرهای ایران داشتند. این مسئله که بیشتر به منظور کاستن از حمایت مردم و دور کردن آنها از جنگ و ایجاد واکنش در آن علیه

حکومت ایران صورت می‌گرفت، به رغم آسیب بسیاری که وارد آورد، واکنش منفی علیه نظام جمهوری اسلامی در پی نداشت. ایران نیز با اینکه قدرت آفند نیروی هوایی‌اش تقلیل یافته بود با موشک‌هایی که سوریه و لیبی به تعداد محدود به‌صورت خریداری، به دست آورده یا بازسازی کرده بود، مقابله به مثل می‌کرد، لذا این اقدام عراق نیز تأثیر تعیین کننده‌ای در جهت‌گیری ایران نداشت. اما آنچه نقش تعیین کننده را ایفا می‌کرد، قوای زمینی ارتش عراق بود که با وجود تلفات فراوانی که در ۸ سال جنگ به آن وارد شده بود، در روزهای پایانی جنگ، پنج برابر روزهای نخست نیرو و لشکر داشت و تعداد ادوات زرهی و هواپیماهایش نیز دو برابر شده بود، این در حالی بود که شمار نیروهای ایران کمتر از ۳۰٪ نیروهای عراق بود. در چنین حالتی، عراق در یک سال آخر جنگ از درگیر کردن یگان‌های اصلی خود نیز پرهیز کرد و هرگز حاضر نشد برای دفاع از جبهه شمالی خود، آنها را به کار گیرد.

با چنین وضعیتی و در حالی که قوای مسلح ایران در منطقه حلبچه درگیر بودند، ارتش عراق در مورخه ۶۷/۱/۲۸ به فاو حمله کرد و با استفاده از سلاح شیمیایی و غافلگیری نیروهای خودی، فاو را پس گرفت و وضعیت جدیدی را پیش آورد. دستیابی به فاو برای عراق که به جز ضعف روحی نیروها، در همه جنبه‌های مادی، برتری محسوسی بر ایران یافته بود، برای ارتش عراق مشکل‌گشا شد و با آشکار شدن این برتری و نیز با اتکا به سلاح‌های غیر متعارف، مناطق از دست داده شلمچه، مجنون و زبیدات، را باز پس گرفت. در همین وضعیت، آمریکا که همزمان با حمله عراق به فاو، در حمله‌ای سمبلیک، سکوهای نفتی ایران را هدف گرفته بود تا حمایت خود را از عراق اثبات کند، در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۱۲ یک هواپیمای مسافربری ایران را بر فراز خلیج فارس هدف قرار داد و ۲۹۰ مسافر را به شهادت رساند. هم زمان خبرهایی دال بر تهدید به بمباران شیمیایی و حتی بمباران اتمی شهرهای بزرگ به ایران می‌رسید و سرنگونی هواپیماهای مسافربری نیز هشدار برای حملات بعدی معنا می‌شد. لذا تجزیه و تحلیل اوضاع موجود سبب شد که در تاریخ ۱۳۷۶/۴/۲۷ ایران موافقت خود را با قبول قطعنامه ۵۹۸ اعلام کند.

به این ترتیب وقت گیری یک ساله ایران برای کسب پیروزی مهم و استراتژیک و قرار گرفتن در موضعی برتر، به نتیجه مطلوب نرسید و نظام بین‌الملل حاضر نشد به تلاش

منطقی و دیپلماتیک ایران روی خوش نشان دهد، بلکه برعکس با تقویت رژیم عراق و موافقت با به کارگیری گسترده سلاح‌های غیر متعارف توسط ارتش آن کشور خطر تضعیف ایران و حتی شکست کامل در جنگ بوجود آمد. پس از اعلام موافقت ایران با قطعنامه ارتش عراق مجدداً به خوزستان، ایلام و کرمانشاه هجوم آورد، ضمن آنکه در حمله به کرمانشاه، نیروهای منافقین نیز به کار گرفته شد، اما در پی پیام امام خمینی مبنی بر مقابله با تجاوزات دشمن، مردم به طور شگفت آوری با حضور در جنوب و غرب کشور ارتش عراق و منافقین را با قدرت عقب راندند.

سرانجام عراق نیز که خطر گرفتاری مجدد در حوادثی مانند آغاز جنگ را دوباره احساس می‌کرد، در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۱۵ تن به آتش بس داد و در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۲۹ به طور رسمی آتش بس برقرار شد و نیروهای حفظ صلح سازمان ملل متحد بین نیروهای ایران و عراق مستقر شدند.

پیوست

عهدنامه^۱

مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

و

حضرت رئیس جمهوری عراق

نظر به اراده صادقانه طرفین - منعکس در توافق الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ برای نیل به حل و فصل قطعی و پایداری کلیه مسایل ما به الاختلاف بین دو کشور.

نظر به اینکه طرفین بر اساس پروتکل قسطنطنیه مورخ ۱۹۱۳ و صورتجلسات کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ به علامت گذاری مجدد قطعی مرز زمینی و بر مبنای خط تالوگ به تحدید مرز رودخانه‌ای خود مبادرت نموده‌اند.

نظر به اراده طرفین به برقراری امنیت و اعتماد متقابل در طول مرز مشترک خود. نظر به پیوندهای همجواری تاریخی و مذهبی و فرهنگی و تمدنی موجود بین ملت‌های ایران و عراق. با تمایل به تحکیم پیوندهای مودت و حسن همجواری و تشدید مناسبات فی مابین در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و توسعه مبادلات و مناسبات انسانی بین مردم خود - براساس اصل تمامیت ارضی و مصونیت مرزها از تجاوز و عدم مداخله در امور داخلی.

با تصمیم به بذل مساعی در جهت برقراری عصری جدید در مناسبات دوستانه بین ایران و عراق بر مبنای احترام کامل استقلال ملی و سلطه حاکمیت مساوی دولت‌ها.

با اعتقاد به مشارکت در اجرای اصول و تحقق آمال و اهداف میثاق ملل متحد از این طریق. تصمیم به انعقاد عهدنامه حاضر گرفتند و بدین منظور تام‌الاختیار خود را به ترتیب ذیل تعیین نمودند:

اعلیحضرت شاهنشاه ایران

جناب آقای عباسعلی خلعت‌بری وزیر امور خارجه ایران

حضرت رئیس جمهوری عراق

جناب آقای سعدون حمادی وزیر امور خارجه عراق

مشارالیهیم پس از ارائه اختیارنامه‌های خود که در کمال صحت و اعتبار بود نسبت به مقررات مشروحه زیر توافق نمودند:

۱. این عهدنامه ترجمه متن انگلیسی آن می‌باشد.

ماده ۱- طرفین معظمین متعاهدین - تأیید می‌نمایند که مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق همان است که علامت گذاری مجدد آن براساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به علامت گذاری مجدد مرز زمینی و ضمائم پروتکل مذکور که به این عهدنامه ملحق می‌باشند انجام یافته است.

ماده ۲- طرفین متعاهدین - تأیید می‌نمایند که مرز دولتی در شطالعرب همان است که تحدید آن بر اساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به تحدید مرز رودخانه‌ای و ضمائم پروتکل مذکور که به عهدنامه حاضر ملحق می‌باشند - انجام یافته است.

ماده ۳- طرفین معظمین متعاهدین - متعهد می‌شوند که بر اساس و طبق مقررات مندرج در پروتکل مربوط به امنیت در مرز و ضمائم آن که ملحق به این عهدنامه می‌باشند - در طول مرز بطور مداوم کنترل دقیق و مؤثر به منظور پایان دادن به هر نوع رخنه اخلاص گرانه - صرفنظر از منشاء آن - اعمال دارند.

ماده ۴- طرفین معظمین متعاهدین - تأیید می‌نمایند که مقررات سه پروتکل و ضمائم آنها، مذکور در موارد ۱ و ۲ و ۳ عهدنامه حاضر که پروتکل‌های فوق الذکر بدان ملحق و جزء لایتجزا آن می‌باشند - مقرراتی قطعی و دائمی و غیرقابل نقض بوده و عناصر غیرقابل تجزیه یک راه حل کلی را تشکیل می‌دهند. نتیجتاً خدشه به هریک از عناصر متشکله این راه حل کلی - اصولاً مغایر با روح توافق الجزیره خواهد بود.

ماده ۵- در قالب غیرقابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو دولت - طرفین معظمین متعاهدین تأیید می‌نمایند که خط مرز زمینی و رودخانه‌های آنان لایتغیر و دائمی و قطعی می‌باشد. ماده ۶- ۱- در صورت اختلاف درباره تفسیر یا اجرای عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمائم آنها - این اختلاف با رعایت کامل مسیر خط مرز ایران و عراق - مندرج در موارد ۱ و ۲ فوق‌الاشعار و نیز با رعایت حفظ امنیت در مرز ایران و عراق - طبق ماده ۳ فوق‌الذکر - حل و فصل خواهد شد.

۲- این اختلاف در مرحله اول طی مهلت دو ماه از تاریخ درخواست یکی از طرفین از طریق مذاکرات مستقیم دوجانبه بین طرفین معظمین متعاهدین - حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورت عدم توافق - طرفین معظمین متعاهدین ظرف مدت سه ماه - بمساعی جمیله یک دولت ثالث دوست توسل خواهند جست.

۴- در صورت خودداری هر یک از طرفین از توسل بمساعی جمیله یا عدم موفقیت مساعی جمیله -

اختلاف طی مدت یکماه از تاریخ رد مساعی جمیله یا عدم موفقیت آن - از طریق داوری حل و فصل خواهد شد

۵- در صورت عدم توافق بین طرفین معظمین متعاهدین نسبت به آیین و یا نحوه داوری - هر یک از

طرفین معظمین متعاهدین می‌تواند ظرف پانزده روز از تاریخ احراز عدم توافق - به یک دادگاه داوری مراجعه نماید

برای تشکیل دادگاه داوری و برای حل و فصل هر یک از اختلافات - هر یک از طرفین معظمین

متعاهدین یکی از اتباع خود را به عنوان داور تعیین خواهد نمود و دو داور تعیین خواهند نمود و دو داور یک

سرداور انتخاب خواهند نمود.

اگر طرفین معظمین متعاهدین ظرف مدت یک ماه پس از وصول درخواست داوری از جانب یکی از طرفین از دیگری به تعیین داور مبادرت نمایند - و یا چنانچه داوران قبل از انقضای همین مدت در انتخاب سرداور به توافق نرسند - طرف معظم متعاهدی که داوری را درخواست نموده است - حق خواهد داشت از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا نماید تا طبق مقررات دیوان دائمی داوری داورها یا سرداور را تعیین نماید.

۶- تصمیم دادگاه داوری برای طرفین معظمین متعاهدین الزام آور و لازم الاجرا خواهد بود.

طرفین معظمین متعاهدین هر کدام نصف هزینه داوری را به عهده خواهند گرفت.
ماده ۷- این عهدنامه و سه پروتکل و ضامم آنها طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد به ثبت خواهد رسید.
ماده ۸- عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضامم آنها - طبق مقررات داخلی به وسیله هر یک از طرفین معظمین به تصویب خواهد رسید.

عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضامم آنها از تاریخ مبادله اسناد تصویب که در تهران انجام خواهد شد - به مورد اجرا در خواهند آمد.

بنا به مراتب، نمایندگان تام‌الاختیار طرفین معظمین متعاهدین عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضامم آنها را امضاء نمودند.

بغداد ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵

عباسعلی خلعت بری

وزیر امور خارجه ایران

سعدون حمادی

وزیر امر خارجه عراق

عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضامم آنها با حضور جناب عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه الجزایر به امضاء رسید.

الحاقیه

با بررسی مجدد متن بند ۵ ماده ۶ عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق که در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد امضاء شده است - طرفین متعاهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند: آخرین قسمت بند ۵ ماده ۶ عهدنامه فوق الذکر یعنی «طبق مقررات دیوان دائمی داوری» حذف و جملات ذیل جانشین آن می‌شود:

«اگر رئیس دیوان بین المللی دادگستری معذور بوده و یا از اتباع یکی از طرفین باشد - انتخاب داورها یا سرداور بوسیله نایب رئیس انجام خواهد شد. چنانچه شخص اخیرالذکر نیز معذور بوده و یا از اتباع یکی از طرفین باشد - انتخاب داوران یا سرداور بوسیله مسن‌ترین عضو دیوان که از اتباع هیچ یک از طرفین نباشد - انجام خواهد شد.

طرفین توافق نامه‌ای که موضوع اختلاف و نحوه رسیدگی به آنرا تعیین نماید تنظیم خواهند نمود. در صورت عدم تنظیم توافق نامه در مهلت پانزده روز از تاریخ تشکیل دادگاه و یا در صورت فقدان قرائن یا مشخصات کافی در متن توافق نامه مزبور درباره نکات مندرج در بند قبل - در صورت لزوم مقررات کنوانسیون لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین المللی - به مورد اجرا گذارده خواهد شد.

در صورت عدم ذکر موضوع در متن توافق نامه و یا در صورت عدم تنظیم توافق نامه دادگاه قواعد ماهوی مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری را اجرا خواهد نمود.»

این الحاقیه جزء لایتجزا عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق که در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ در بغداد امضاء شده است بوده و همزمان با عهدنامه فوق‌الذکر به تصویب خواهد رسید.

بغداد : ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵

از طرف دولت جمهوری عراق
سعدون حمادی

از طرف دولت شاهنشاهی ایران
عباسعلی خلعت بری

پروتکل^۱

راجع به تعیین مرز رودخانه‌ای

بین ایران و عراق

طبق تصمیم متخذ در اعلامیه مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزیره طرفین متعاهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

ماده ۱- طرفین متعاهدین - تأیید و اذعان می‌نمایند که تعیین مرز دولتی رودخانه‌ای در شطالعرب بین ایران و عراق براساس خط تالوگ - توسط کمیته مختلط ایران و عراق و الجزایر - طبق اسناد زیر انجام گردیده است:

۱- پروتکل تهران مورخ ۱۷ مارس ۱۹۷۵.

۲- صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه امضاء شده در بغداد به تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۵ امضاء شده روی کشتی عراقی الثوره در شطالعرب - مورد تصویب قرار گرفته است.

۳- نقشه‌های هیدروگرافیک مشترک که پس از ممیزی در محل و اصلاح و درج مختصات جغرافیایی نقاط عبور خط مرز در ۱۹۷۵ - به امضای متخصصین هیدروگرافی کمیسیون فنی مختلط رسیده و توسط رؤسای هیأت‌های ایران و عراق و الجزایر در کمیته مورد تصدیق واقع گردید.

نقشه‌های فوق‌الذکر که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود منضم به پروتکل حاضر بوده و جزء لایتنجرا آن می‌باشند:

نقشه شماره ۱

Entrance to Shatt El Arab No ۳۸۴۲

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است.

نقشه شماره ۲

Inner Bar To Kabda Point No ۳۸۴۳

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است.

نقشه شماره ۳

Kabda Point To Abadan No ۳۸۴۴

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است.

نقشه شماره ۴

Ababdn To Jazirat Umm at Tuwa Ylah No ۳۸۵۴

که توسط دریاداری بریتانیا به چاپ رسیده است.

۱. این پروتکل ترجمه متن انگلیسی آن می‌باشد.

ماده ۲- ۱- خط مرزی در شطالعرب از نقطه‌ای که مرز زمینی بین ایران و عراق به شطالعرب می‌رسد تا دریا - مسیر خط تالوگ یعنی خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در پائین‌ترین سطح قابلیت کشتیرانی را طی می‌کند.

۲- خط مرزی به نحوی که در بند ۱ فوق تعریف شده - با تغییرات ناشی از علل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی - تغییر خواهد نمود. خط مرزی بر اثر تغییرات دیگر تغییر نخواهد کرد - مگر آنکه طرفین متعاهدین موافقت نامه خاصی برای این منظور منعقد نمایند.

۳- تغییرات مذکوره در بند ۲ فوق متفقاً به وسیله دستگاههای فنی ذیصلاحیت طرفین متعاهدین - ثبت خواهد شد.

۴- در صورتیکه بر اثر حوادث طبیعی بستر شطالعرب یا مصب آن جابجا شود و این امر تغییراتی را در تعلق ملی سرزمین دو دولت مربوطه یا اموال غیر منقول و ساختمانها یا تأسیسات فنی و غیر فنی موجب شد - مسیر خط مرز کماکان خط تالوگ - به نحویکه در بند اول فوق مقرر شده خواهد بود.

۵- مگر در مواردی که طرفین متعاهدین متفقاً تصمیم بگیرند که مسیر بایستی بستر جدید را تعقیب کند - آنها طبق مندرجات چهار نقشه مشترک پیش‌بینی شده در بند سوم ماده اول فوق به هزینه طرفین به بستری که در سال ۱۹۷۵ داشته است برگردانده می‌شود - مشروط بر آنکه یکی از طرفین ظرف دو سال متعاقب اینکه جابجا شدن بستر توسط هر یک از آنان شناسایی شده باشد - چنین تقاضایی را به عمل آورد. در خلال این مدت - حق طرفین در کشتیرانی و استفاده از آب در بستر جدید - محفوظ خواهد بود. ماده ۳- ۱- مرز رودخانه‌ای در شطالعرب بین ایران و عراق به نحوی که در ماده ۲ فوق تعریف شده - به وسیله خطی بر روی نقشه‌های مشترک - موضوع بند ۳ ماده اول فوق - مشخص گردیده است.

۲- طرفین متعاهدین توافق داشتند که منتهی‌الیه مرز رودخانه‌ای روی خط مستقیمی که انتهای دو ساحل را در مصب شطالعرب هنگام جزر دریا Astronomical Lowest Low Water به یکدیگر می‌پیوندد قرار دارد. این خط مستقیم بروی نقشه‌های هیدروگرافیک مشترک مذکور در بند ۳ ماده اول فوق ترسیم شده است. ماده ۴- خط مرزی مشروحه در مواد ۱ و ۲ و ۳ پروتکل حاضر - در جهت عمودی فضای هوایی و زیر زمین طرفین را نیز تحدید می‌کند.

ماده ۵- طرفین متعاهدین یک کمیسیون مختلط ایران و عراق تشکیل می‌دهند تا ظرف دو ماه وضع اموال غیر منقول و ساختمانها و تأسیسات فنی و غیر فنی را که تعلق ملی آنها بر اثر تحدید مرز رودخانه‌ای ایران و عراق تغییر می‌یابد از طریق باز خرید و یا جبران خسارت و یا از طریق هر روش مقتضی دیگر حل و فصل نماید - تا از وجود اختلاف احتراز گردد.

ماده ۶- با توجه به اتمام اقدامات اندازه‌گیری در شطالعرب و ترسیم نقشه مشترک هیدروگرافیک - مذکور در بند ۳ ماده ۱ فوق - طرفین متعاهدین توافق نمودند مجدداً یک اندازه‌گیری مشترک - هر ده سال

یک بار از تاریخ امضای پروتکل حاضر - انجام پذیرد. مع الوصف - هر یک از طرفین حق دارد درخواست نماید با اندازه گیری مشترک جدید - قبل از انقضای مهلت ده سال مبادرت گردد.

طرفین متعاهدین هر یک نصف هزینه های اندازه گیری را به عهده خواهند گرفت.

ماده ۷-۱- کشتیهای تجارتي و دولتي و نظامي طرفین متعاهدین از آزادی کشتیرانی در شطالعرب برخوردار خواهند بود - صرفنظر از حدود دریای سرزمینی هر یک از دو کشور در تمامی کانالهای قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمینی تا مصب شطالعرب.

۲- کشتیهای مورد استفاده برای تجارت و متعلق به کشورهای ثالث بر اساس مساوات و عدم تبعیض از آزادی کشتیرانی در شطالعرب برخوردار خواهند بود - صرفنظر از حدود دریای سرزمینی هر یک از دو کشور در تمامی قسمت کانالهای قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمینی تا مصب شطالعرب.

۳- هر یک از طرفین متعاهدین می تواند ورود کشتی های نظامی خارجی را در شطالعرب برای بازدید از بنادر خود اجازه دهد مشروط بر اینکه کشتیهای مزبور به کشوری که در حال مخاصمه یا تعرض مسلحانه و یا جنگ با یکی از طرفین متعاهدین باشد - متعلق نبوده و مراتب در مهلتی که از هفتاد و دو ساعت کمتر نباشد - به طرف دیگر اعلام گردد.

۴- طرفین متعاهدین در تمام احوال از صدور اجازه ورود به شطالعرب برای کشتی های تجارتي متعلق به کشوری که در حال مخاصمه یا تعرض مسلحانه و یا جنگ با یکی از طرفین باشد - اجتناب خواهند نمود.

ماده ۸-۱- مقررات مربوط به کشتیرانی در شطالعرب توسط یک کمیسیون مختلط ایران و عراق - بر مبنای اصل حقوق متساوی کشتیرانی دو دولت - تنظیم خواهد شد.

۲- طرفین متعاهدین کمیسیونی به منظور تنظیم مقررات مربوط به جلوگیری و کنترل آلودگی شطالعرب تشکیل خواهند داد.

۳- طرفین متعاهدین متعهد می شوند متعاقباً موافقتنامه هایی درباره مسائل مذکوره در بندهای ۱ و ۲ ماده حاضر - منعقد نمایند.

ماده ۹- طرفین متعاهدین - با اذعان به اینکه شطالعرب اصولاً یک آبراه کشتیرانی بین المللی است - متعهد می شوند از هر نوع بهره برداری که نفساً مانع کشتیرانی در شطالعرب و دریای سرزمینی هر یک از دو کشور در تمامی قسمت کانالهای قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمینی تا مصب شطالعرب گردد - اجتناب نمایند.

بغداد به تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵

سعدون حمادی

عباسعلی خلعتبری

وزیر امور خارجه عراق

وزیر امور خارجه ایران

با حضور جناب آقای عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه الجزایر به امضاء رسید.

پروتکل^۱

راجع به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق

طبق تصمیم متخذ در اعلامیه الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ طرفین متعاهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

ماده ۱- الف - طرفین متعاهدین تأیید و اذعان می‌نمایند که علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق توسط کمیته مختلط ایران و عراق و الجزایر بر مبنای مراتب زیر انجام یافته است:

۱- پروتکل قسطنطنیه ۱۹۱۳ و صورتجلسات کمیسیون تحدید حدود ترکیه و ایران ۱۹۱۴.

۲- پروتکل تهران مورخ ۱۷ مارس ۱۹۷۵.

۳- صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه که در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۵ در بغداد به امضاء رسید و ضمن آن از جمله صورتجلسه کمیته مأمور علامت‌گذاری مرز زمینی را که در ۳۰ مارس ۱۹۷۵ در تهران امضاء شده بود - مورد تصدیق قرار داد.

۴- صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه که در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۵ در الجزایر به امضاء رسید.

۵- صورتجلسه تفصیلی عملیات علامت‌گذاری مرز زمینی بین ایران و عراق مورخه ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ که بوسیله کمیته مأمور علامت‌گذاری مرز زمینی تنظیم گردید و ضمیمه شماره ۱ و جزء لایتنجرا پروتکل حاضر را تشکیل می‌دهند.

۶- نقشه‌هایی به مقیاس ۱/۵۰۰۰۰ که بروی آنها خط مرز زمینی و نیز محل علائم قدیم و جدید مشخص گردیده و ضمیمه شماره ۲ و جزء لایتنجرای پروتکل حاضر را تشکیل می‌دهند.

۷- فیشهای شناسایی علائم مرزی قدیم و جدید.

۸- مدارک مربوط به مختصات علائم مرزی.

۹- عکسهای هوایی نوار مرزی ایران و عراق که بر روی آنها محل علائم قدیم و جدید علامت‌گذاری شده است.

ب - طرفین متعهد می‌شوند علامت‌گذاری مرزی بین علائم ۱۴ الف و ۱۵ را ظرف مدت دو ماه به اتمام برسانند.

ج - طرفین متعاهدین برای تهیه عکسهای هوایی مربوط به مرز زمینی ایران و عراق به منظور بکار بردن آنها در ترسیم خط مرزی بروی نقشه‌هایی به مقیاس ۱/۲۵۰۰۰ و تعیین محل علائم مرزی - در مهلتی که از یک سال از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۵ تجاوز نخواهد کرد. همکاری خواهند نمود - بدون آنکه این امر به اعتبار یافتن عهدنامه که پروتکل حاضر جزء لایتنجرا آن است - خللی وارد آورد.

صورتجلسه تفصیلی مرز زمینی مذکور در بند ۵ فوق بالنتیجه اصلاح خواهد شد.

۱. این پروتکل ترجمه متن انگلیسی آن می‌باشد.

نقشه‌های تهیه شده طبق مقررات بند ج حاضر جایگزین کلیه نقشه‌های موجود خواهد شد.

ماده ۲- مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق در امتداد خطی است که در صورتجلسه تفصیلی تعیین و در نقشه‌های موضوع بندهای ۵ و ۶ ماده ۱ فوق و با توجه به مفاد بند ج ماده مذکور ترسیم گردیده است.

ماده ۳- خط مرزی مشروحه در موارد ۱ و ۲ پروتکل حاضر - در جهت عمودی فضای هوایی و زیر زمینی طرفین را نیز تحدید می‌کند.

ماده ۴- طرفین متعاهدین یک کمیسیون مختلط عراقی و ایرانی تشکیل می‌دهند تا وضع اموال غیرمنقول و ساختمانها و تأسیسات فنی و غیرفنی را که تعلق ملی آنها به سبب علامت گذاری مجدد مرز زمینی ایران و عراق تغییر می‌یابد - با روحی توأم با حسن همجواری و همکاری و به منظور اجتناب از هر نوع اختلاف - از طریق بازخرید یا از طریق جبران خسارت و یا طبق هر روش مقتضی دیگر - رسیدگی نماید. کمیسیون مزبور در مدت دو ماه وضع اموال عمومی را تعیین خواهد نمود. دعاوی مربوط به اموال خصوصی طی مدت دو ماه به کمیسیون واصل خواهد شد. رسیدگی به وضع این اموال خصوصی ظرف سه ماه بعدی تعیین خواهد گردید.

ماده ۵- ۱- یک کمیسیون مختلط متشکل از مقامات ذیصلاحیت دو دولت به منظور بازرسی علائم مرزی و اطمینان از وضع آنها تشکیل می‌گردد.

این بازرسی سالانه در ماه سپتامبر طبق برنامه‌ای که قبلاً کمیسیون در مهلتی مناسب تنظیم خواهد نمود - انجام می‌یابد.

۲- هر یک از طرفین متعاهدین می‌تواند کتباً از طرف دیگر درخواست نماید که کمیسیون در هر زمان خارج از موعد مقرر به بازرسی تکمیلی علائم مرزی مبادرت کند. در این صورت بازرسی در مهلتی که از سی روز از تاریخ تقاضای اقدام تجاوز نخواهد کرد - انجام خواهد یافت.

۳- کمیسیون مختلط در صورت مبادرت به بازرسی، صورتجلسات مربوطه را تنظیم نموده و پس از امضاء به مقامات ذیصلاحیت هر یک از دو دولت تسلیم خواهد نمود. کمیسیون می‌تواند عنداللزوم تصمیم به ساختمان علائم جدیدی که واجد همان مختصات علائم فعلی باشند اتخاذ نماید - مشروط بر اینکه این امر در مسیر خط مرز تغییری ایجاد ننماید. در این صورت مقامات ذیصلاحیت دو دولت بایستی علائم مرزی و مختصات آنها را روی نقشه‌ها و مدارک مربوطه مذکور در ماده ۱ پروتکل حاضر - تصدیق نمایند. این مقامات تحت سرپرستی کمیسیون مختلط به نصب علائم مزبور مبادرت خواهند نمود و کمیسیون مختلط صورتجلسه‌ای درباره کارهای انجام یافته تنظیم نموده و آن را به مقامات ذیصلاحیت هر یک از دو دولت تسلیم می‌دارد تا به اسناد مشروحه در ماده ۱ پروتکل حاضر ضمیمه شود.

۴- طرفین متعاهدین مشترکاً هزینه‌های ناشی از نگهداری علائم را به عهده خواهند گرفت.

۵- کمیسیون مختلط مأمور خواهد بود علائم جابجا شده را در محل نصب نموده و به ساختن علائم آسیب دیده یا از بین رفته - بر مبنای نقشه‌ها و مدارک مذکور ماده اول پروتکل حاضر - و با توجه به این که در

هر حال در محل علائم تغییری حاصل نشود - مبادرت نماید. در این مورد کمیسیون مختلط صورت جلسه‌ای از کارهای انجام یافته تنظیم نموده و آن را به مقامات ذیصلاحیت هر یک از دو دولت تسلیم خواهد نمود. ۶- مقامات ذیصلاحیت هر یک از دو دولت اطلاعات مربوط به وضع علائم را به منظور تأمین بهترین طرق و وسایل برای حفاظت و نگهداری آنها مبادله خواهند نمود.

۷- طرفین متعاهدین متعهد می‌شوند کلیه تدابیر لازم را جهت تأمین حفاظت علائم و تعقیب افراد مقصر به جابجا کردن و آسیب رساندن یا تخریب علائم مزبور اتخاذ نمایند.

ماده ۶- طرفین متعاهدین توافق دارند که مفاد پروتکل حاضر که بدون هیچ قید و شرط به امضاء رسیده - کلیه مسائل مرزی بین ایران و عراق را در آینده حل و فصل می‌نماید. طرفین بر این مبنا رسماً متعهد می‌شوند مرز مشترک و قطعی فی مابین را محترم بشمارند.

بغداد به تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵

سعدون حمادی

عباسعلی خلعتبری

وزیر امور خارجه عراق

وزیر امور خارجه ایران

با حضور جناب آقای عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه الجزایر به امضاء رسید.

پروتکل^۱

مربوط به امنیت در مرز بین ایران و عراق

طبق تصمیمات مندرج در توافق الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ با علاقه به برقراری امنیت و اعتماد متقابل در طول مرز مشترک فی مابین با تصمیم به اعمال کنترل دقیق و مؤثر برای پایان دادن به هر نوع رخنه اخلاص گرانه یا تردد غیر قانونی در مرز مشترک که هدف آن اخلاص و عدم انقیاد و شورش باشد. با عطف به پروتکل مورخ ۱۵ مارس ۱۹۷۵ تهران و صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۵ بغداد و صورتجلسه اجتماع وزیران امور خارجه مورخه ۲۰ مه ۱۹۷۵ الجزیره. طرفین متعاهدین نسبت به مقررات ذیل توافق نمودند:

ماده ۱-۱ طرفین متعاهدین به مبادله اطلاعات مربوط به تردد عناصر اخلاص گر که سعی کنند برای ارتکاب عملیات اخلاص گرانه و عدم انقیاد یا شورش - بداخل یکی از دو کشور نفوذ کنند - مبادرت خواهند نمود. ۲- طرفین متعاهدین تدابیر مقتضی مربوط به تردد عناصر موضوع بند ۱ ماده حاضر اتخاذ خواهند نمود. طرفین بلافاصله هویت این افراد را به یکدیگر اطلاع خواهند داد و بدیهی است که کلیه کوششها را به منظور جلوگیری از ارتکاب اعمال اخلاص گرانه توسط این افراد - مبذول خواهند داشت. عین همین تدابیر به افرادی که در داخل سرزمین یکی از طرفین متعاهدین به قصد ارتکاب اخلاص گرانه یا خرابکاری در سرزمین طرف دیگر تجمع نمایند - اتخاذ خواهد شد. ماده ۲- همکاری همه جانبه‌ای که بین مقامات ذیصلاحیت طرفین متعاهدین برقرار گردیده و مربوط به بستن مرزها برای جلوگیری از رخنه عناصر اخلاص گر می‌باشد در سطح مقامات مرزی طرفین تا بالاترین سطوح یعنی وزیران دفاع و امور خارجه و داخله طرفین - دنبال خواهد شد. ماده ۳- معبرهای نفوذی که ممکن است به وسیله عناصر اخلاص گر مورد استفاده قرار گیرد به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

۱- ناحیه مرزی شمال

از نقطه التقای مرزهای ایران و ترکیه و عراق تا خانقین و قصر شیرین (با احتساب قصر شیرین):

۲۱ نقطه.

۲- ناحیه مرزی جنوب

از خانقین و قصر شیرین (بدون احتساب قصر شیرین) تا منتهی الیه مرز ایران و عراق : ۱۷ نقطه.

۳- معابر نفوذی فوق‌الذکر در ضمیمه تعیین شده‌اند.

۱. این پروتکل ترجمه متن انگلیسی آن می‌باشد.

۴- هر معبر نفوذی دیگر که متعاقباً کشف شده و بستن و کنترل آن لازم باشد جزء معابر معین شده فوق محسوب خواهد شد.

۵- کلیه گذرگاههای مرزی به استثنای آنهایی که در حال حاضر تحت کنترل مقامات گمرکی می‌باشند - برای هر نوع عبور ممنوع خواهند بود.

۶- با توجه به گسترش مناسبات همه جانبه بین دو کشور همسایه - طرفین متعهدین توافق دارند که در آینده گذرگاههای دیگری تحت کنترل مأموران گمرکی - با موافقت مشترک ایجاد گردد.

ماده ۴- ۱- طرفین متعهدین متعهد می‌شوند وسایل انسانی و مادی لازم را به منظور تأمین مؤثر بستن و کنترل مرزها مورد استفاده قرار دهند - به نحوی که از هر نوع رخنه عناصر اخلاص گر از گذرگاههای مذکور در ماده ۳ فوق ممانعت به عمل آید.

۲- در صورتیکه حسب تجربیات مکتسبه در این مورد کارشناسان تشخیص دهند که تدابیر مؤثرتری باید اتخاذ گردد - طی اجلاسهای ماهیانه مقامات مرزی دو کشور و یا عنداللزوم از طریق ملاقات بین مقامات مزبور - ترتیب آن داده خواهد شد.

سعدون حمادی

عباسعلی خلعتبری

وزیر امور خارجه عراق

وزیر امور خارجه ایران

با حضور جناب آقای عبدالعزیز بوتفلیقه عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه الجزایر به امضاء رسید.

قطعهنامه های صادره شورای امنیت در خصوص جنگ تحمیلی

قطعهنامه شماره ۴۷۹ (۱۹۸۰)

تاریخ: ۲۸ سپتامبر (۱۳۵۹/۷/۶)

جلسه: ۲۲۴۸

طرح قطعهنامه: S / ۱۴۲۰۱

رای: اتفاق آرا

شورای امنیت

با آغاز بررسی موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، با التفات به اینکه بر اساس منشور ملل متحد همه دولتهای عضو تعهد به حل اختلافات بین المللی شان را از راههای مسالمت آمیز و به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتد، پذیرفته‌اند.

همین طور با التفات به اینکه همه دولتهای عضو متعهدند که در روابط بین المللی شان از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی خودداری کنند. با خاطر نشان ساختن اینکه طبق ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد.

با اظهارنگرانی عمیق درباره رو به گسترش میان ایران و عراق.

۱. از ایران و عراق می‌خواهد که از هرگونه کاربرد بیشتر زور به فوریت خودداری کنند و اختلافشان را از راههای مسالمت آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین الملل حل کنند.

۲. از آنها مصرانه می‌خواهد که هر پیشنهاد مناسب در مورد میانجیگری، سازش یا توسل به کارگزاری‌ها یا ترتیبات منطقه‌ای یا دیگر راههای مسالمت آمیز، بنا به انتخاب خود، را که اجرای تعهداتش بر اساس منشور ملل متحد را تسهیل کند، بپذیرند.

۳. از همه دولتهای دیگر می‌خواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند.

۴. از کوششهای دبیر کل و پیشنهاد وی در مورد مساعی جمیله برای حل این وضعیت پشتیبانی می‌کند.

۵. از دبیر کل درخواست می‌کند که ظرف مدت چهار و هشت ساعت به شورای امنیت گزارش دهد.

قطعهنامه شماره ۵۱۴ (۱۹۸۲)

تاریخ: ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۴/۲۱)

جلسه: ۲۳۸۳

رای: اتفاق آرا

طرح قطعهنامه: —

شورای امنیت

با بررسی مجدد موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، با اظهار نگرانی عمیق در مورد طولانی شدن برخورد میان دو کشور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان مادی چشمگیر شده و صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته است.

با خاطر نشان ساختن مفاد ماده ۲ منشور ملل متحد و این که استقرار صلح و امنیت در منطقه مستلزم رعایت دقیق این مفاد است.

با خاطر نشان ساختن اینکه به موجب ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را دارد.

با خاطر نشان ساختن قطعهنامه ۴۷۹ که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ به اتفاق آرا تصویب شد و همین طور بیانیه ۵ نوامبر ۱۹۸۰ رئیس شورای امنیت.

با در نظر گرفتن کوششهای میانجیگرانه چشمگیری که دبیر کل و نماینده‌اش و همین طور جنبش کشورهای غیرمتعهد و سازمان کنفرانس اسلامی دنبال کرده‌اند.

۱. خواستار آتش بس و خاتمه فوری همه عملیات نظامی می‌شود.

۲. افزون بر آن، خواستار عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی می‌شود.

۳. تصمیم می‌گیرد که گروهی از ناظران ملل متحد را به منظور بررسی، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی (نیروها) اعزام کند و از دبیر کل می‌خواهد که گزارشی در مورد ترتیبات لازم برای این منظور را به شورای امنیت تسلیم کند.

۴. مصرانه می‌خواهد که کوششهای میانجیگرانه به نحوی هماهنگ از طریق دبیر کل جهت دستیابی به راه حلی جامع، عادلانه و شرفتمندانه که قابل قبول هر دو طرف باشد، در مورد همه مسائل مهم، براساس اصول منشور ملل متحد و از جمله احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها ادامه یابد.

۵. از همه دولت‌های دیگر درخواست می‌کند که از تمام اقداماتی که می‌تواند به ادامه اختلاف یاری

رساند خودداری ورزند و اجرای قطعهنامه حاضر را تسهیل کنند.

قطعهنامه شماره ۵۲۲ (۱۹۸۲)

تاریخ: ۴ اکتبر ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۷/۱۲)

جلسه: ۲۳۹۹

رای: اتفاق آرا

طرح قطعهنامه: —

شورای امنیت

با بررسی مجدد موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، با اظهار تأسف در مورد طولانی شدن و افزایش برخورد میان دو کشور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان مادی چشمگیر شده و صلح و امنیت را به خطر انداخته است.

با تأیید مجدد اینکه اعاده صلح و امنیت به منطقه مستلزم آن است که همه دولتهای عضو تعهداتشان بر اساس منشور ملل متحد را دقیقاً رعایت کنند.

با خاطر نشان ساختن قطعنامه ۴۷۹ (۱۹۸۰) خود که در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ به اتفاق آرا تصویب شد و همین طور بیانیه ۵ نوامبر ۱۹۸۰ رئیس شورای امنیت.

افزون بر آن، با خاطر نشان ساختن قطعنامه ۵۱۴ (۱۹۸۲) خود که در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ به اتفاق آرا تصویب شد و بیانیه ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ رئیس شورای امنیت.

با در نظر گرفتن گزارش ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۲ دبیر کل.

۱. بار دیگر مصرأ خواستار آتش بس فوری و خاتمه همه عملیات نظامی می‌شود.

۲. تقاضای خود برای عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی را مجدداً تأیید می‌کند.

۳. از این واقعیت که یکی از طرفها آمادگی خود را برای همکاری در اجرای قطعنامه ۵۱۴ (۱۹۸۲)

اضهار داشته است استقبال می‌کند و از طرف دیگر می‌خواهد چنین کند.

۴. ضرورت اجرای بدون تأخیر بیشتر تصمیمش در مورد اعزام ناظران ملل متحد برای بررسی، تأیید و

نظارت بر آتش بس و عقب نشینی (نیروها) را تأیید می‌کند.

۵. فوریت ادامه کوششهای میانجیگرانه کنونی را مجدداً تأیید می‌کند.

۶. درخواست خود را از همه دولتهای دیگر در مورد خودداری از همه اقداماتی که می‌تواند به ادامه

اختلاف کمک کند و تسهیل اجرای قطعنامه حاضر را مجدداً تأیید می‌کند.

۷. افزون بر آن، از دبیر کل درخواست می‌کند که ظرف هفتادو دو ساعت در مورد قطعنامه حاضر به

شورای امنیت گزارش دهد.

قطعهنامه شماره ۵۴۰ (۱۹۸۳)

جلسه : ۲۴۹۳

تاریخ : ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ (۱۳۶۲/۸/۹)

طرح قطعهنامه : S / ۱۶۰۲۲

رای : ۱۲ موافق، ۳ ممتنع

شورای امنیت

با بررسی مجدد موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق». با خاطر نشان ساختن قطعهنامه‌ها و بیانیه‌های مربوط به خود که ضمناً خواستار آتش بس جامع و خاتمه همه عملیات نظامی طرفهاست.

با خاطر نشان ساختن گزارش ۲۰ ژوئن ۱۹۸۳ دبیرکل (S / ۱۵۸۴۳) در مورد هیئت تعیین شده توسط وی برای بررسی مناطق غیرنظامی در ایران و عراق که مورد حملات نظامی قرار گرفته‌اند و با اظهار قدردانی از دبیرکل به خاطر گزارش واقع بینانه متوازن و عینی وی. همچنین با التفات همراه با قدردانی و تشویق در مورد همکاری و کمکی که حکومت‌های ایران و عراق با هیئت دبیرکل کرده‌اند.

با اظهار تأسف دوباره از برخورد میان دو کشور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان فراوان به شهرها، اموال و زیربنای اقتصادی شده است.

با تأیید مطلوب بودن بررسی عینی علل جنگ مزبور.

۱. از دبیرکل درخواست می‌کند که به کوشش‌های میانجیگرانه خود میان طرفهای ذیربط به منظور دستیابی به راه حلی جامع عادلانه و شرفتمندانه که قابل قبول هر دو طرف باشد، ادامه دهد.

۲. همه موارد نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در تمام زمینه‌ها، به ویژه مفاد کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو را محکوم می‌کند و خواستار قطع فوری همه عملیات نظامی علیه هدف‌های غیرنظامی، از جمله شهرها و مناطق مسکونی، می‌شود.

۳. حق کشتیرانی و تجارت آزاد در آب‌های بین‌المللی را تأیید می‌کند و از همه دولت‌ها می‌خواهد که به این حق احترام بگذارند و همچنین از طرف‌های مخاصمه می‌خواهد که همه مخاصمات را در منطقه خلیج [فارس]، از جمله در خطوط دریایی، راه‌های آبی قابل کشتیرانی، تأسیسات بندری، پایانه‌ها، تأسیسات مقابل ساحل و همه بنادری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دریا راه دارند، فوراً متوقف سازند و به تمامیت دیگر دولت‌های ساحلی احترام بگذارند.

۴. از دبیرکل درخواست می‌کند که با طرف‌ها در مورد راه‌های ادامه قطع مخاصمات و نظارت بر آن، از جمله امکان اعزام ناظران مشورت کند و در مورد نتایج این مشورت‌ها به شورای امنیت تسلیم نماید.

۵. از هر دوطرف می‌خواهد که از هر اقدامی که ممکن است صلح و امنیت دریانوردی در منطقه خلیج [فارس] را به خطر اندازد، خودداری کنند.

۶. بار دیگر از همه دولت‌های دیگر می‌خواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند و بنابراین، اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل نمایند.

۷. از دبیرکل درخواست می‌کند که در مورد اجرای فوری و مؤثر این قطعنامه با طرفها مشورت کند.

قطعنامه شماره ۵۵۲ (۱۹۸۴)

تاریخ: ۱ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۳۶۳/۳/۱۱) جلسه: ۲۵۴۶
رای: ۱۳ موافق، ۲ ممتنع طرح قطعنامه: S / ۱۶۵۹۴

شورای امنیت

با بررسی نامه مورخ ۲۱ مه ۱۹۸۴ نمایندگان بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی (S / ۱۶۵۷۴) که از حملات ایران به کشتیهای بازرگانی در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی شکایت کرده‌اند.

با در نظر گرفتن اینکه دولت‌های عضو متعهدند با یکدیگر در صلح و حسن همجواری، طبق منشور ملل متحد، زندگی کنند.

با تأیید مجدد تعهدات دولت‌های عضو نسبت به اصول و مقاصد منشور ملل متحد. همچنین با تعیین مجدد اینکه همه دولت‌های عضو متعهدند در روابط بین‌المللی‌شان از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی خودداری کنند.

با توجه به اهمیت منطقه خلیج [فارس] برای صلح و امنیت بین‌المللی و نقش حیاتی آن در ثبات و استقلال جهانی.

با اظهار نگرانی عمیق در مورد حملات اخیر به کشتیهای تجاری در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی. با اعتقاد به اینکه حملات مزبور تهدیدی برای امنیت و ثبات منطقه بشمار می‌آیند و آثار جدی بر صلح و امنیت بین‌المللی دارد.

۱. از همه دولت‌ها می‌خواهد که طبق حقوق بین‌الملل به حق کشتیرانی آزاد احترام گذارند.
۲. حق کشتیرانی آزاد در آب‌های بین‌المللی و خطوط دریایی برای کشتیرانی در مسیر همه بنادر و تأسیسات دولت‌های ساحلی را که طرفهای مخاصمات نیستند، مجدداً تأیید می‌کنند.
۳. از همه دولت‌ها می‌خواهد که به تمامیت ارضی دولت‌هایی که طرف مخاصمات نیستند احترام بگذارند و حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود، خودداری کنند.
۴. حملات اخیر کشتیهای بازرگانی در مسیر بنادر کویت و عربستان سعودی را محکوم می‌کنند.

۵. تقاضا می‌کند که چنین حملاتی باید بی‌درنگ متوقف گردند و نباید هیچ ممانعتی برای کشتیرانی در مسیر بنادر دولتهایی که طرفهای مخاصمات نیستند وجود داشته باشد.
۶. تصمیم می‌گیرد که در صورت عدم رعایت عهد نامه حاضر، بار دیگر جهت بررسی اقدامات مؤثری که متناسب با شدت وضعیت باشد به منظور تضمین آزادی کشتیرانی در منطقه مزبور، تشکیل جلسه دهد.
۷. از دبیر کل درخواست می‌کند که در مورد پیشرفت اجرای عهدنامه حاضر گزارش دهد.
۸. تصمیم می‌گیرد که موضوع را زیر نظر داشته باشد.

قطعهنامه شماره ۵۸۲ (۱۹۸۶)

تاریخ: ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۵)

جلسه: —

رأی: اتفاق آرا

طرح قطعهنامه: S / ۱۷۸۵۹

شورای امنیت

با بررسی موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق» با خاطر نشان ساختن اینکه شورای امنیت موضوع وضعیت میان ایران و عراق را تقریباً شش سال زیر نظر داشته و تصمیماتی در مورد آن گرفته است، با نگرانی عمیق در مورد طولانی شدن برخورد میان دو کشور که منجر به خسارات سنگین انسانی و زیان مادی چشمگیر شده و صلح و امنیت را به خطر انداخته است،

با خاطر نشان ساختن مفاد منشور و به ویژه تعهد همه اعضا به حل اختلافات بین‌المللی‌شان از راه‌های مسالمت‌آمیز، به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، با در نظر گرفتن اینکه ایران و عراق، هر دو، طرفهای پرتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در مورد منع استفاده از گازهای خفه کننده، سمی و یا دیگر گازها و روشهای جنگ میکروبی در جنگ هستند.

با تأکید بر اصل غیر قابل قبول بودن تصرف سرزمین از راه دور، با ملاحظه کوششهای میانجیگرانه دنبال شده توسط دبیر کل.

۱. از اقدامات اولیه‌ای که به سبب برخورد میان ایران و عراق شد متأسف است و ادامه برخورد مزبور اظهار تأسف می‌کند.

۲. همچنین از افزایش برخورد به ویژه تهاجمهای ارضی، بمباران مراکز جمعیتی کاملاً غیر نظامی، حمله به کشتیهای بیطرف یا هواپیماهای غیر نظامی، نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و دیگر قوانین برخورد مسلحانه و به ویژه استفاده از سلاحهای شیمیایی، مغایر با تعهدات پرتکل ۱۹۲۵ ژنو، اظهار تأسف می‌کند. ۳. از ایران و عراق می‌خواهد که آتش بس فوری، قطع همه مخاصمات در زمین، دریا و هوا و عقب نشینی بیدرنگ همه نیروها به مرزهای شناخته شده بین‌المللی را رعایت کنند.

۴. مصرانه می‌خواهد که مبادله کامل زندانیان جنگی ظرف مدت کوتاهی پس از قطع مخاصمات با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ انجام شود.

۵. از هر دوطرف می‌خواهد که فوراً همه جنبه‌های برخورد مزبور را به میانجیگری یا دیگر راههای مسالمت‌آمیز حل اختلافات محول کنند.

۶. از دبیر کل درخواست می‌کند که به کوششهای مداوم خود ادامه دهد، به دو طرف جهت اجرای این قطعهنامه کمک کند و شورا را مطلع سازد.

۷. از همه دولت‌های دیگر می‌خواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هر اقدامی که ممکن است به افزایش و گسترش بیشتر برخورد منجر شود خودداری کنند و بنابراین، اجرای قطعهنامه حاضر را تسهیل نمایند.

۸. تصمیم می‌گیرد موضوع را زیر نظر داشته باشد.

قطعنامه شماره ۵۸۸ (۱۹۸۶)

تاریخ: ۸ اکتبر ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۷/۱۶)

جلسه: ۲۷۱۳

طرح قطعنامه: —

رأی: اتفاق آرا

شورای امنیت

با بررسی موضوع دارای عنوان «وضعیت میان ایران و عراق»، با در نظر گرفتن اینکه شورا این موضوع را بیش از شش سال زیر نظر داشته و تصمیماتی در مورد آن گرفته است،
با در نظر گرفتن تعهد دولتهای عضو که در روابط بین‌المللی‌شان از تهدید و کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی یا هر روش دیگر مغایر با مقاصد ملل متحد خودداری کنند، با خاطرنشان ساختن مفاد منشور ملل متحد و به ویژه تعهد همه اعضا و حل اختلافات بین‌المللی‌شان از راههای مسالمت‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، همچنین با خاطر نشان ساختن اینکه دولتهای عضو بر اساس منشور، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار و بدین منظور موافقت کرده‌اند نقش شورای امنیت را در حل اختلافات بپذیرند.
با ستودن تلاشهای دبیر کل برای یافتن راهی مسالمت‌آمیز برخورد مزبور،
۱. از ایران و عراق می‌خواهد که بی‌درنگ و به طور کامل قطعنامه ۵۸۲ (۱۹۸۶) را که در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ به اتفاق آرا تصویب شد اجرا کنند.
۲. از دبیر کل درخواست می‌کند که همراه با طرفها برای اجرای قطعنامه یادشده بالا تلاشهایش را شدت بخشد و حداکثر تا ۳۰ نوامبر ۱۹۸۶ به شورا گزارش دهد.
۳. تصمیم می‌گیرد که به منظور بررسی گزارش دبیر کل و شرایط استقرار صلحی پایدار میان دو کشور، براساس منشور ملل متحد و اصول عدالت و حقوق بین‌الملل، بار دیگر تشکیل جلسه دهد.

قطعهنامه شماره ۵۹۸ (۱۹۸۷)

تاریخ : ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۴/۲۹)

جلسه : ۲۵۷۰

رأی : اتفاق آرا

شورای امنیت

با تأیید مجدد قطعهنامه ۵۸۲ (۱۹۸۶) خود،

با ابراز نگرانی از اینکه علیرغم درخواستهایش برای آتش‌بس، مخاصمه بین ایران و عراق بشدت سابق و با تلفات انسانی و تخریب مادی بیشتر، ادامه دارد،

با تأسف نسبت به آغاز و ادامه این مخاصمه،

همچنین با تأسف نسبت به بمباران مراکز کاملاً مسکونی غیرنظامی، حملات به کشتیهای بی طرف و هواپیماهای غیرنظامی، تخطی از قوانین بشر دوستانه بین‌المللی و سایر قوانین مخاصمات مسلحانه و به ویژه استفاده از سلاح شیمیایی برخلاف تعهدات ناشی از پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، با نگرانی عمیق از اینکه احتمال تصاعد و گسترش بیشتر جنگ به وقوع وجود دارد، با عزم راسخ نسبت به پایان دادن به تمامی عملیات نظامی بین ایران و عراق، باید حاصل شود، با یادآوری مقررات منشور سازمان ملل متحد، به ویژه تعهد کلیه اعضا نسبت به حل و فصل اختلافات بین‌المللی به طرق صلح‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت را به خطر نیندازد؛

با احراز اینکه در مخاصمه بین اختلاف ایران و عراق، نقض صلح حاصل شده است،

با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد،

۱. از ایران و عراق می‌خواهد که به عنوان اولین قدم به سوی حل و فصل از طریق مذاکره، آتش‌بس فوری را رعایت کنند، تمام عملیات نظامی را در زمین، دریا و هوا متوقف سازند و کلیه نیروها را بی‌درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی باز گرداند.

۲. از دبیرکل درخواست می‌شود که گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را برای تأیید، تحکیم و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی به مرزها اعزام دارد و بعلاوه از دبیرکل درخواست می‌شود که ترتیبات ضروری را برای مشاوره با طرفین انجام داده و گزارش آن را تسلیم شورای امنیت کند.

۳. شورا مصرانه می‌خواهد که اسرای جنگی پس از توقف مخاصمات فعال، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ بی‌درنگ آزاد و عودت داده شوند.

۴. از ایران و عراق دعوت می‌شود که با دبیرکل در خصوص اجرای این قطعهنامه و در کوششهای میانجیگرانه برای کسب یک حل و فصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و مورد قبول طرفین در مورد تمام موضوعات مهم، براساس اصول مندرج در منشور ملل متحد همکاری کنند.

۵. از کلیه دولتهای دیگر دعوت می‌شود که حداکثر خویشتنداری را به عمل آورده و از هر اقدامی که ممکن است منجر به تصاعد و گسترش بیشتر مخاصمه شود احتراز جوید و بدین گونه اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل کند.

۶. از دبیرکل درخواست می‌شود که ضمن مشورت با ایران و عراق، مسئله تفویض کار تحقیق درباب مسئولیت مخاصمه را به هیأتی بی‌طرف، بررسی کرده و در حداقل مدت ممکن به شورا گزارش دهد.

۷. با شناسایی عظمت خسارات وارده در خلال مخاصمه و نیاز به کوشش جهت نوسازی، به محض پایان مخاصمه با استفاده از کمکهای مناسب بین‌المللی، از دبیرکل درخواست می‌شود که گروهی از کارشناسان را برای مطالعه در باب مسئله نوسازی تعیین کرده و به شورای امنیت گزارش دهد.

۸. بعلاوه از دبیرکل درخواست می‌شود که با مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه، تدابیر افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد ملاحظه قرار دهد.

۹. از دبیرکل درخواست می‌شود که شورای امنیت را به طور مداوم در جریان اجرای این قطعنامه قرار دهد.

۱۰. شورای امنیت تصمیم دارد که برای درنظر گرفتن اقدامات بیشتر و تضمین اجرای این قطعنامه در

صورت ضرورت جلساتی تشکیل دهد.

قطعهنامه شماره ۶۱۲ (۱۹۸۸)

تاریخ : ۶ مه ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۲/۷)

جلسه : ۶۰۲۰

رأی : اتفاق آرا

شورای امنیت

- با بررسی گزارش ۲۵ آوریل ۱۹۸۸ (S / ۱۹۸۲/۳) هیئت اعزامی دبیرکل برای تحقیق درباره اتهامات استفاده از سلاحهای شیمیایی در مناقشه میان ایران و عراق، متأثر از نتیجه‌گیری هیئت مبنی بر ادامه به کارگیری جنگ‌افزارهای شیمیایی در مناقشه و اینکه استفاده از آنها در مقیاس وسیعتر از گذشته صورت می‌گیرد،
۱. بر ضرورت عاجل رعایت دقیق مفاد پروتکل منع استفاده از گازهای سمی خفشان‌آور یا گازهای دیگر و نیز سلاحهای میکروبی که در ۱۷ ژوئیه ۱۹۲۵ در ژنو امضا شده است، تأکید می‌کند.
 ۲. تداوم استفاده از سلاحهای شیمیایی در جنگ بین ایران و عراق را که برخلاف تعهدات ناشی از پروتکل ژنو صورت گرفته، قویاً محکوم می‌کند.
 ۳. از طرفین توقع دارد که در آینده از استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی با توجه به تعهداتش به موجب پروتکل ژنو، خودداری کنند.
 ۴. از کلیه کشورهای می‌خواهد که بر اعمال و یا تداوم اعمال نظارت شدید بر صدور مواد و تولیدات شیمیایی که در ساخت جنگ‌افزارهای شیمیایی به کار می‌روند، به کشورهای متخاصم جنگ، بیفزایند.
 ۵. تصمیم می‌گیرد که موضوع را دنبال کند و عزم خود را به منظور بررسی مجدد این قطعهنامه اعلام می‌دارد.

قطعهنامه شماره ۶۲۰

تاریخ: ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۶/۱)

با یادآوری قطعهنامه ۶۱۲ (۱۹۸۸) خود،

با بررسی گزارشهای ۲۰ و ۲۵ ژوئیه و ۱۹ اوت ۱۹۸۸ (ADD.I، S/۲۰۰۶۰ و ADD.I، S/۲۰۰۶۳، S/۲۰/۳۴) هیأت‌های اعزامی توسط دبیرکل جهت تحقیق در مورد ادعاهای استفاده از سلاحهای شیمیایی در برخورد میان ایران و عراق، با تأثیر عمیق از نتایج تحقیقات هیأتها در زمینه تداوم استفاده از سلاحهای شیمیایی در برخورد میان ایران و عراق و اینکه چنین استفاده‌ای علیه ایرانیان شدت و تکرار بیشتری پیدا کرده، با نگرانی شدید از خطر استفاده احتمالی از سلاحهای شیمیایی در آینده، با در نظر گرفتن مذاکرات جاری در کنفرانس خلع سلاح در مورد ممنوعیت مؤثر و کامل توسعه، تولید و انباشت سلاحهای شیمیایی و نیز نابودی آنها، با عزم راسخ جهت گسترش تلاشهای خود برای پایان دادن به هرگونه استفاده از سلاحهای شیمیایی در مغایرت با تعهدات بین‌المللی در حال حاضر و آینده،

۱. استفاده از سلاح شیمیایی در برخورد بین ایران و عراق را که مغایر با تعهدات ناشی از پروتکل منع استفاده از گازهای سمی، خفه کننده و دیگر گازها در جنگ و سلاحهای میکروبی که در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ در ژنو امضا گردیده و همچنین به منزله نادیده گرفتن قطعهنامه ۶۱۲ شورای امنیت است، شدیداً محکوم می‌نماید. ۲. دبیرکل را ترغیب می‌نماید که در پاسخ به اتهامات ارائه شده از سوی هر دولت عضو مبنی بر احتمال استفاده از سلاحهای شیمیایی، میکروبی (بیولوژیک) یا سمی که ممکن است نقض پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و یا دیگر قواعد مربوط حقوق بین‌الملل را در برداشته باشد، سریعاً تحقیقاتی به منظور ارزیابی حقایق به عمل آورده و نتایج را گزارش کند.

۳. از تمامی دولت‌ها می‌خواهد که همچنان نظارت شدیدی بر صدور محصولات شیمیایی که می‌تواند جهت تولید سلاح شیمیایی به کار گرفته شود، خصوصاً به طرفین یک محاصمه در زمانی که استفاده آنها از سلاحهای شیمیایی در مغایرت با تعهدات بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته و یا شواهد متقنی دال بر این امر در دست باشد، اعمال و تشدید نمایند.

۴. تصمیم می‌گیرد که با توجه به تحقیقات دبیرکل، در صورت هرگونه استفاده از سلاحهای شیمیایی در آینده و مغایر با حقوق بین‌الملل از سوی هر کس و در هر زمان، مسئله را سریعاً مورد بررسی قرار داده و مطابق با منشور ملل متحد اقدامات مناسب و مؤثری را اتخاذ نمایند.